



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

سخنرانی

زیارت امیرالمومنین علیه السلام در روز غدیر

از زبان امام هادی علیه السلام

«جلسه اول - دوم»

حجة الاسلام حامد کاشانی

موسسه تحقیقات رهبانان قائمیه اسفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر از زبان امام هادی علیه السلام

نویسنده:

حامد کاشانی

ناشر چاپی:

مؤلف

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر از زبان امام هادی علیه السلام
۶	مشخصات مقاله
۶	جلسه اول
۶	اشاره
۷	غربت زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام
۸	زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام یا خطبه ی غدیریه؟
۱۰	زیارت غدیریه برای چه زمانی است؟
۱۱	برائتی بودن امام هادی علیه السلام
۱۷	برخی ویژگی های زیارت غدیریه
۱۸	برخی ویژگی های واژه ی «امیرالمؤمنین»
۲۳	در اسلام اصالت با چیست؟
۲۹	اهمیت حدیث منزلت
۳۶	روضه حضرت مسلم علیه السلام
۴۱	جلسه دوم
۴۱	مشخصات مقاله
۴۱	اشاره
۴۱	مقدمه
۴۹	اهمیت ولایت در بیان امام صادق علیه السلام
۵۱	آیا می شود همینطور یک روایت را قبول کرد؟
۵۸	نکاتی در مورد جناب عمار علیه السلام
۵۸	بصیرت یعنی چه!
۶۵	روضه جناب عمار علیه السلام
۶۶	درباره مرکز

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر از زبان امام هادی علیه السلام

مشخصات مقاله

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر از زبان امام هادی علیه السلام

جلسه اول و دوم

حجت الاسلام حامد کاشانی

روز جمعه مورخ 2 و 9 شهریور 1397

مصادف با ایام عید سعید غدیر خم

خیراندیش دیجیتالی: جناب آقای سید علی بحرینی به نیابت از مرحومه حاجیه خانم کسایی_گروه هم پیمانان موعود غدیر.

ص: 1

جلسه اول

اشاره

صوت

Your browser does not support the audio tag.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (1)

«رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي» (2)

«إِلَهِي أَنْظِقْنِي بِالْهُدَى وَالْهَمْنِي التَّقْوَى» (3)

مقدمه

هدیه به پیشگاه امیرالمؤمنین علیه افضل صلوات المصلین صلواتی هدیه بفرمایید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

خجالت می کشم بگویم خدا را شاکریم، چون

از دست و زبان که برآید *** کز عهده ی شکرش بدر آید

که صبح جمعه به نیابت از امام زمان ارواحنا فداه و هدیه به حضرت زهراى اطهر سلام الله عليها چند جمله راجع به امیرالمؤمنین علیه السلام با یکدیگر صحبت کنیم.

ص: 1

1-1. سوره مبارکه غافر، آیه ی 44

2-2. سوره مبارکه طه، آیات 25 تا 28

3-3. صحیفه سجّادیه، صفحه 98

غربت زیارتِ غدیریه امام هادی علیه السلام

این زیارتِ غدیریه زیارتِ خیلی مهم و متأسفانه غریبی است، عجیب است که همچنین گنجی به دست شیعیان رسیده و اینقدر هم محجور است، عجیب است که معمولاً حوزه ها آن را نمی شناسند، نه اینکه بگویم هیچ کس نمی شناسد، ولی متأسفانه عموماً آن را نمی شناسند و قدر آن را نمی دانند، بلکه گاهی ریش سفیدها در حوزه این زیارت را نمی شناسند، ما درباره ی غدیر خیلی کم کار هستیم، اگر هر جایی به ما وعده می دادند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دعای مستجاب کرده است طبیعتاً انسان باید خیلی انگیزه پیدا می کرد، ولی نمی دانم چرا غدیر این اندازه بین ما غریب است.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ» قطعاً دعای پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم مستجاب است، عجیب است

ص: 2

که ما کم کار هستیم، «وَإِخْذُلْ مَنْ خَدَلَهُ» اینجا هم همه هست، فقط غیر از شیعه را مشمول نمی شود، «وَإِخْذُلْ مَنْ خَدَلَهُ» رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هر کسی که امیرالمؤمنین علیه السلام را تنها بگذارد نفرین کردند، این تنها گذاشتن طیف دارد، یک عده رها کردند و یک عده هم کم یاری کردند، یک عده در کربلا مقابل سیدالشهداء علیه السلام بودند، یک عده هم حضرت اباعبدالله علیه السلام را کمک نکردند.

این زیارت زیارتِ خیلی مهمی است، شاید بعضی وقت ها بحث ها خیلی جذاب است ولی خدا می داند که من چند شب است که تقریباً یکی دو ساعتی بیشتر خوابیده ام، ولی با اینکه دیشت خیلی خسته بودم و سفر بودم و سفر بودم، از شوق اینکه اگر خدای متعال به من توفیق بدهد که راجع به این زیارت صحبت کنم نخوایده ام، ما در میان آب هستیم و قدر نمی دانیم، ان شاء الله خداوند کمک کند به دست بی لیاقتِ ما پرچم غدیر امیرالمؤمنین علیه السلام را بلند کنیم، او که هر کاری بخواهد انجام دهد انجام می دهد ولی منت بگذارد و ما را هم یک طوری شریک کند.

زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام یا خطبه ی غدیریه؟

اولین نکته اینکه این زیارت غدیریه باید از جهاتی جای خطبه ی غدیریه که معروف شده است را بگیرد، عباراتِ زیبا در آن خطبه ی غدیریه زیاد است و جملات درست هم در آن زیاد است، منتها ترکیبِ آن خطبه ی غدیریه که الان مطرح است و در خیلی جاها آن را می خوانند خیلی محکم نیست، یعنی جملاتِ مهمی در آن هست...

اولاً آن ظرافت هایی که این زیارت دارد، مثل عبارتی که این زیارت در بخش

حدیث منزلت غوغا کرده است را ندارد، ثانیاً اینکه سند آن محکم نیست، نه اینکه سند حدیث منزلت محکم نیست، نه اینکه سند حدیث ثقلین محکم نیست، این ترکیب خطبه که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اینطور سخنرانی فرمودند، یعنی به این شکلی که الآن مطرح است و این خطبه طولانی است، سند این محکم نیست و ما در بحث غدیر باید خیلی دقت کنیم، برخلاف آن راجع به این زیارت عرض خواهم کرد.

نکته ی دوم اینکه این زیارت مهم ترین حالتی است که ما می توانیم با امام ارتباط بگیریم، چه بسا بالاترین درجه ی یادگیری عمومی است، ما ارتباط می گیریم و با امام صحبت می کنیم، می بینیم امام هادی سلام الله علیه چطور با امیرالمؤمنین علیه السلام صحبت کردند، ارتباط می گیریم، ارتباط عاطفی برقرار می کنیم، لذا تعمیق ایجاد می کند، در آن گریه می کنیم، منتها در خطبه کمتر می تواند این اتفاق بیفتد، اصلاً امام هادی سلام الله علیه این را برای جمع های شیعه طراح کرده است، چرا ما نسخه ی امام را کنار بگذاریم و کار خودمان را کنیم؟ و چه نکته ای در خطبه ی غدیره هست و مهم تر از آن در اینجا نیست؟ با این سندی که توضیح خواهم داد.

لذا ان شاء الله سعی کنیم به اندازه ی خودمان این زیارت غدیره را از غربت در بیاوریم و با امیرالمؤمنین علیه السلام معامله کنیم، و البته عرض می کنم که این منت عظمی است که اگر امیرالمؤمنین علیه السلام اجازه بدهد کسی در ماجرای غدیر قدمی بردارد. آنقدرها هستند که میلیاردها تومان پول دارند و نمی توانند در موضوع غدیر

هزار تومان خرج کنند، در حالی که اهل بیت علیهم السلام اینجا کاری کردند که شاید هیچ کجا انجام ندادند.

یک اطعام برابر با یک میلیون اطعام، انگار همه ی انبیاء علیهم السلام را غذا داده ای، چرا اینطور ریخت و پاش می کنند؟ خواستند ما به میان بیاییم. این نکته ی اول از اهمیتِ زیارت غدیریه.

زیارت غدیریه برای چه زمانی است؟

نکته ی بعدی اینکه مرحوم حاج شیخ عباس آخر این زیارت خیلی صحیح می فرماید که این فقط برای روز غدیر نیست، زیارت غدیر مانند زیارت عاشورا که روز عاشورا مصداق بارز و اتم و اکمل آن است، بله، بهترین جا برای این زیارت هم روز غدیر در حرم امیرالمؤمنین علیه السلام است، اما می شود این زیارت را همیشه خواند، این عبارات عبارات معارفی است، مرحوم حاج شیخ عباس می فرماید: همیشه می توان این زیارت را خواند؛ درست هم می فرماید، لذا ممکن است در ذهن ها بیاید که چرا زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر را یک هفته ی قبل می خوانید؟ اولاً که الآن ایام ولایت امیرالمؤمنین است ولی اگر نبود هم می شد این زیارت را خواند، می شد جلساتی راه بیفتند که مردم به جای این که حرف های کسی مثل من را بشنوند کلمات امام هادی علیه السلام را بخوانند، در کلام حضرت سیر و تفکر کنند.

یکی از گله های ما از جلسات مذهبی این است که زیارت عاشورا و زیارت جامعه و قرآن و... متأسفانه حاشیه ی سخنران کم ارزشی مانند من می شود، در حالی که اصل آن هاست، من صبح هم عرض کردم که غفلت کردیم، ای کاش برعکس بود، ابتدا صحبت می کردیم و بعد از آن زیارت خوانده شود، حالا ان شاء الله اگر

آقایان راضی بودند و مایل بودند برای جلسه ی هفته ی بعد این کار را کنیم. این هم نکته ی دوم.

نکات زیاد است، اینجا خیلی حرف زیاد است، من سعی می کنیم اینجا مختصر آن را عرض کنم.

نکته ی بعدی این است که در مزار مشهدی که این زیارت اولین بار مطرح شده است و بنده راجع به سند آن عرض خواهم کرد، آمده است که وقتی معتصم امام هادی سلام الله علیه را با اجبار به عراق برد حضرت در حرم امیرالمؤمنین علیه السلام که آن زمان مختصر حرمی کنار مضجع شریف امیرالمؤمنین علیه السلام بود قرائت فرمودند؛ اگر این درست باشد معتصم سال 227 از دنیا رفته است و امام هادی علیه السلام حداکثر پانزده سال سن دارند، برای ما «صغیرهم کالشیخ الکبیر» امام کوچک و بزرگ ندارد، اتفاقاً امام هادی سلام الله علیه اگر پانزده سال هم داشتند، تقریباً از هشت سالگی به بعد امام بوده اند، ولی این نکته است، تربیت اهل بیت علیهم السلام در کودکان شان هم ولایت و برائت است، از این جهت عرض می کنم، وقتی حضرت جواد سلام الله علیه در مورد آن دو قاتل حضرت زهرا سلام الله علیها و غاصب حق تهدید کردند، حضرت رضا علیه السلام فرمودند: فدایت شوم «أنتَ لَهَا» حالا شایسته ی امامت شدی!

این زیارت زیارت خیلی عجیبی است.

برائتی بودن امام هادی علیه السلام

یکی از وجهه های ناشناخته ی امام هادی علیه السلام برائتی بودن ایشان است، یک زیارتی در همین مفاتیح داریم، اگر در زیارت های مطلقه ی امیرالمؤمنین علیه السلام ملاحظه فرموده باشید هفت زیارت در مفاتیح دارد، چند عبارت از زیارت پنجم را می خوانم تا ببینید امام هادی سلام الله علیه

چطور برای ما عقیده می سازند، می فرمایند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ» (1) اصلاً این زیارت زیارت برائتی است، تو اولین مظلوم هستی، هم از جهت شدتِ ظلم و هم سبقتِ در ظلم و هم اینکه ابتدای کار بود و همه ی بدبختی ها از آنجا شروع شد، «وَأَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ» مهم ترین حقی که در تاریخ خورده شد حقّ امیرالمؤمنین علیه السلام بود، «صَبْرَتْ وَ احْتَسَبَتْ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَأَشَدُّ هَدًى أَنْتَ لِقَيْتَ اللَّهَ وَأَنْتَ شَدِيدٌ عَذَابِ اللَّهِ فَاتِلَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ» خدای متعال قاتلِ تو را به همه طور عذابی مبتلا کند، «وَجَدَّ عَلَيْهِ الْعَذَابَ جُنَّتَكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ مُسْتَبْصِرًا بِشَأْنِكَ» حقّ تو را می شناسم و به آمده ام تو را زیارت کنم، «مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ» با دشمنانِ تو دشمن هستم، «وَمَنْ ظَلَمَكَ» و کسانی که به تو ظلم کردند، بعد می فرماید: «الْقَى عَلَى ذَلِكَ رَبِّي إِنْ شَاءَ اللَّهُ» ان شاء الله با این عقیده از دنیا می روم، امام هادی علیه السلام می فرمایند!... اینکه بنده عرض می کنم این منت است که اجازه داده اند ما هم از این حرف ها بزنیم، امام هادی علیه السلام می فرمایند ان شاء الله با این عقیده از دنیا بروم، به ما هم اجازه داده اند همان عقیده را بیان کنیم...

سند زیارت غدیریه و نظر بزرگان در مورد این زیارت

این زیارت در کتاب مزار مشهدی آمده است، یک نکات فنی در بحثِ سند دارد که می شود ابهاماتی را هم مطرح کرد، نمی خواهم آن ها را اینجا مطرح کنم، حرفِ مشهور را عرض می کنم، در کلام مشهور رجالیین این زیارت جزو صحیح ترین زیارت های ممکن است.

اولاً امام عسکری روحی له الفداء چند سال

ص: 7

1-4. شیخ کلینی از حضرت هادی علیه السلام روایت کرده نزد قبر امیر مؤمنان می گویی: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَأَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ صَبْرَتْ وَ احْتَسَبَتْ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَأَشَدُّ هَدًى أَنْتَ لِقَيْتَ اللَّهَ وَأَنْتَ شَدِيدٌ عَذَابِ اللَّهِ فَاتِلَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ وَ جَدَّ عَلَيْهِ الْعَذَابَ جُنَّتَكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ مُسْتَبْصِرًا بِشَأْنِكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ وَ مَنْ ظَلَمَكَ أَلْقَى عَلَى ذَلِكَ رَبِّي إِنْ شَاءَ اللَّهُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ لِي ذُنُوبًا كَثِيرَةً فَاشْفَعْ لِي إِلَى رَبِّكَ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَعْلُومًا وَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهًا وَ شَفَاعَةً وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرَادَ

بعد از قرائت این زیارت... اگر در ابتدای آن می گوید معتصم امام هادی علیه السلام را به اجبار به عراق آوردند... امام عسکری علیه السلام که از پدرشان نقل می کنند زمان قرائت این زیارت هنوز به دنیا نیامده اند، مانند احادیثی که مثلاً امام صادق علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کنند، امام عسکری علیه السلام فرموده اند که پدرم اینطور زیارت نمودند.

اولاً- راوی اول این زیارت یک امام دیگر است، یعنی دو معصوم در طریق قرار دارند، دو نائب خاص امام زمان روحی له الفداه هم در طریق قرار دارند... یعنی بعضی اوقات حدیث صحیح است، راویان آن راستگو هستند، یک وقت هم راویان غیر از اینکه راستگو هستند جزو برجسته ترین علمای شیعه هستند، فرق عالم با غیرعالم این است که وقتی روایت را نقل می کند دقیق نقل می کند... دو نائب خاص امام زمان روحی له الفداه، شیخ کلینی راوی است، علی بن ابراهیم قمی رحمه الله علیه و پدر ایشان راوی هستند، شیخ مفید راوی است، شیخ طوسی راوی است، ابن شهر آشوب راوی است، عمادالدین طبری صاحب «بشاره المصطفی لشیعہ المرتضی» راوی است، ابن شاذان قمی راوی است، بعد اینکه مشهدی که صاحب «مزار کبیر» هست راوی است، یعنی روات برجسته ترین علمای شیعه هستند، برجسته ترین علمای شیعه از هم نقل کرده اند، نه اینکه یک راوی از یک راوی دیگر که بگوییم معلوم نیست دقیق هم باشد.

من جستجو کردم و زیارتی با همچنین روات دقیقی پیدا نکردم که سلسله سند آن مانند سلسله الذهب باشد، سلسله الذهب که سر جای خود، معصوم از معصوم است، این عالم

از عالم است، کم زیارتی هست که اینطور باشد. لذا از جهت مشهورِ رجالیین این زیارت از جهت سند خیلی فوق العاده است، گرچه اگر این اندازه هم فوق العاده نبود، محتوا و متن برای زیارت کفایت می کرد، این یک مزیتِ اضافی است.

نکته ی بعدی این است که بزرگان ما که خیلی از این زیارت تعریف کرده اند، به نظر من یکی از آن ها خیلی جالب است، مثلاً آیت الله وحید حفظه الله می فرمایند که اصلاً انسان وقتی این عبارات را می بیند بُهت زده می شود، این عبارت ایشان در مورد اهل بیت مشهور است که عقل ما نمی رسد و باید فکر کنیم و نمی فهمیم.

آیت الله نوری همدانی می فرمایند که این موسوعه ی تاریخِ امامتِ تشیع است، درست هم می فرمایند.

حالا ان شاء الله اگر قسمت دوم زیارت را بخوانند می بینید که امام هادی سلام الله علیه یک قرائتی از تاریخ دوره ی امیرالمؤمنین علیه السلام بیان می کنند، راوی تاریخ است ولی معصوم، آن هم این سلسله روات از هم نقل کنند، آن هم از معصوم!

آن چیزی که به نظر ما از همه در این جهت مهم تر است بخاطر اینکه در این زیارت خیلی برائت هست، فرمایشات آقا است، این را برای این عرض می کنم که بعضی از عباراتی که در این زیارتنامه هست، اگر من توضیح ندهم ممکن است شما بفهمید که این به بحث وحدت خدشه وارد می کند، آن کسی که پرچم وحدت مسلمین را علم کرده است همین امسال روز اول فروردین که روز شهادت امام هادی سلام الله علیه بود عباراتی دارند که به جهت اهمیت آن عرض می کنم، می فرمایند: این امام بزرگوار در

مجموعه ی آثار و برکاتی که از ائمه ی هدی علیهم السلام رسیده است این خصوصیت دارند که در ضمن زیارت مهم ترین فصول مربوط به مقامات ائمه علیهم السلام را با بیان وافی و شافی با زیباترین تعبیرات بیان کرده اند، زیارت جامعه ی کبیره از این بزرگوار است.

زیارت جامعه ی کبیره زیارت تعلیمی است، به نظر ما زیارت غدیریه تعلیمی نیست، بعداً عرض می کنم چرا...

بعد می فرمایند: زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر (یعنی همین زیارت) که یکی از غرر تعبیرات و فرمایشات ائمه علیهم السلام است، از این بزرگوار است...

چرا تبلیغ می کنند؟ که ما برویم آن را بخوانیم دیگر! ایشان تبلیغ کرده اند که بروید این زیارتنامه را بخوانید، حالا عبارات را می خوانیم و شما عبارات را ببینید.

تمام آن بحث هایی که درباره ی اهمیت وحدت داشتند و داشتیم و شاید حقیر حدود پانزده جلسه داشتم سر جای خود، همه ی آن حرف ها هست، ولی این ها هم هست، لذا کاسه ی داغ تر از آتش نشود که این ها به وحدت ضربه می زند، اصلاً منادی و پرچمدار وحدت می فرمایند که این از غرر فرمایشات اهل بیت علیهم السلام است!

به نظر حقیر این زیارت تعلیمی نیست، چه فرقی می کند؟ هر چیزی که از اهل بیت علیهم السلام برسد ما بر روی دیدگان مان می گذاریم...

در مورد زیارت جامعه راوی آمد گفت: یابن رسول الله! ما گاهی می خواهیم همه ی شما را باهم زیارت کنیم و نمی دانیم چه بگوییم، یک چیزی به ما آموزش دهید بگوییم حضرت فرمودند، زیارت بسیار مهمی هم هست.

یک وقت است که می گویند خود امام معصوم کنار قبر امیرالمؤمنین سلام الله علیه با امیرالمؤمنین علیه السلام این حرف ها را

گفته است، و کسی هم آن موقع ندیده است که حضرت در زیارت چه گفته است، امام عسکری روحی له الفداه بعداً نقل کرده اند، یعنی فضای تقیه اجازه نمی داده است که امام بخواهند به شیعیان آموزش دهند که بنشینید با یکدیگر کنار مضجع امیرالمؤمنین علیه السلام زیارت بخوانیم و من می خواهم این حرف ها را بزنم، حضرت را از مدینه به زور به عراق آورده اند، اصلاً جای این حرف ها نیست، وقتی حضرت این فرمایشات را داشتند بین خودشان و امیرالمؤمنین علیهما السلام اتفاق افتاده است، بعداً امام عسکری سلام الله علیه برای ما نقل کرده اند.

برای چه چیزی این را عرض می کنم؟ چون در آن شب هایی که مناجات شعبانیه عرض می کردیم نکته ای عرض کردم که منظور من آن است که گاهی اهل بیت علیهم السلام از کرم شان حالات خصوصی بین خودشان و خدا را در مناجات شعبانیه آورده اند و به ما هم گفته اند.

مثلاً شما فرض بفرمایید که نزد یک عارفی یا یک انسان ویژه ای بروید، یکی را پیدا کنید که بگوید که وقتی آقای بهجت رحمه الله علیه نماز شب می خواندند حالات خود را برای کسی تعریف کرده است، اگر هم پیدا کنید برای یکی از خاص الخاص هاست، اوحدی از خاص ها، مثل مردم که در صفحه ی مجازی خود منتشر نکرده است، اگر کسی دو بیت شعر بگوید آن را همینطور به کسی نمی دهد، می گوید خراب می شود و قدر آن را نمی دانند... کرم اهل بیت علیهم السلام است، این کرم امام عسکری علیه السلام و امام هادی علیه السلام است که این زیارتی که بین خود ایشان و امیرالمؤمنین علیه السلام اتفاق افتاده است را فاش

کرده اند و به ما هم داده اند، از این جهت عرض می‌کنم که تعلیمی نبودن آن اهمیت دارد؛ این سرّی میان امام هادی علیه السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام است، رابطه‌ی بین امیرالمؤمنین علیه السلام و امام هادی علیه السلام است، ولی اجازه داده اند که ما هم بگوییم، این خیلی مهم است، این فقط نسخه برای ما نیست، این همان چیزی است که امام زمان سلام الله علیه در مظان این است که روز غدیر این عبارات را بیان کنند، اجازه داده اند ما هم همان را بگوییم، این خیلی گرم است، اصلاً چه کسی می‌تواند از عهده‌ی شکر آن بر بیاید، اصلاً اهمیت این عبارات نمی‌تواند به ذهن خطور کند.

برخی ویژگی‌های زیارت غدیریه

یکی از ویژگی‌های بسیار مهم آن که اگر جلسه‌ی بعد زنده بودم کمی راجع به آن گفتگو می‌کنیم این است که در این زیارت ده‌ها آیه تفسیر شده است، یعنی شما دنبال این هستید که تفسیر این آیات چیست؟ تفسیر آن به سند صحیح از امام هادی علیه السلام است، حضرت هادی علیه السلام نزدیک به هفتاد آیه در این زیارت استفاده فرموده اند و به امیرالمؤمنین علیه السلام و شیعیان و به دشمنان و محبّان دشمنان ایشان تطبیق کرده است، یعنی این یک تفسیر آیات الولایه هم هست.

یک دوره مباحث امام شناسی در حوزه‌ی دفاع از امیرالمؤمنین علیه السلام، نه حوزه‌ی فضائل، اینجا مطرح است.

عبارات خیلی مهمی هم در آن دارد که ان شاء الله من شروع می‌کنم و چند عبارت آن را عرض می‌کنم و مابقی آن هم برای جلسه‌ی بعد، البته اگر کسی بخواهد واقعاً در مورد جمله جمله‌ی این زیارت

بحث کند باید حدود پانزده جلد کتاب راجع به آن بنویسد، ولی بعضی از عبارات آن هم در اینجاست و هم در جاهای دیگر، و یک چیزهایی هم در این زیارت هست که تقریباً هر جایی نیست، سعی می کنیم بیشتر آن ها را مطرح کنیم.

شروع زیارت امام هادی سلام الله علیه کنار قبر مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام تشریف برده اند و ابتدای آن اذن دخول است، بعد می فرمایند: «السَّلَامُ عَلَي مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ»، این یکی از ویژگی های امیرالمؤمنین علیه السلام است که در زیارت ششم مفاتیح هم که از امام صادق علیه السلام است نقل شده است، زیارت ها انواعی دارند، یا از حضرت آدم علیه السلام شروع می شوند که در آن سلسله مراتب هدایت مطرح می شود، یا با سلام به همان امام شروع می شوند، یک استثناء حضرت زهرا سلام الله علیها هست که امام جواد علیه السلام ابتدا فاطمه زهرا شناسی می کنند و با «يَا مُتَّحِنَهُ أُمَّتَحَنِكَ اللَّهُ» شروع می شود، یک نوع هم زیارت های امیرالمؤمنین علیه السلام است که معمولاً زیارت های ویژه ی امیرالمؤمنین علیه السلام با سلام به پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شروع می شود، امام هادی علیه السلام کنار نفس پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند، لذا به پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم سلام می کنند، کما اینکه وقتی اهل آن بخوانند مضجع شریف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت کنند به امیرالمؤمنین علیه السلام سلام می کنند.

این زیارت با سلام به پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شروع شده است.

برخی ویژگی های واژه ی «امیرالمؤمنین»

یک نکته ای در

ص: 13

ذهن مان باشد که امروز باهم عهد کنیم، یکی از کارهایی که امام هادی علیه السلام سعی کردند در این زیارت جا بیندازند این است که هر فقره ای که در سلام می خواهد شروع کنند با «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» شروع می کنند، سعی کنیم امام علی را از ذهنمان پاک کنیم، کلمه ی امام لفظِ مشترک است، امامی که ما برای امیرالمؤمنین علیه السلام می گوئیم با امامی که برای یک فقیه می گوئیم یا آن ها برای ابوحنیفه ی شان و دیگران می گویند مراتب دارد، ما هم می دانیم، وقتی می گوئیم «مؤسسه الإمام خوئی» منظورمان امام جماعت است، امام امامت برای همه بکار رفته است، قرآن کریم برای ائمه ی حق و ائمه ی باطل، ائمه ای که دعوت به آتش می کنند هم استفاده کرده است، در امامتِ اهل بیت علیهم السلام هیچ وقت نمی فرمودند به ما امام نگوئید، یا اینکه فقط امیرالمؤمنین علیه السلام را امام بگوئید، هم آن ها از امام استفاده می کنند و هم ما، خیلی حساسیت برانگیز نیست، این ها برای چغازنبیل های شان هم امام می گویند، لذا به آن ها بر نمی خورد که شما بخواهید بگوئید امام علی! آن ها امام ابوحنیفه هم دارند چه برسد به امام علی.

اهل بیت علیهم السلام اجازه نمی دادند که «امیرالمؤمنین» به آن ها اطلاق شود، حتی امام مجتبی روحی له الفداء وقتی شش ماه حاکم هم بودند که رسماً امیری مسلمین بر ایشان بود و رسم است که وقتی بر یک حاکمی وارد می شوند بگویند: «السلام علیک یا امیرالمؤمنین»، یعنی اگر این را نگویند یعنی ما امارتِ تو را قبول نداریم و به حکما بر می خورد، امام مجتبی علیه السلام باز هم اجازه نمی دادند بگویند «یا امیرالمؤمنین»! واژه ی «امیرالمؤمنین» خاصّ حضرت امیرالمؤمنین

علیه السلام است، و همینکه شما هر جایی که خواستید نام حضرت را ببرید بفرمایید «امیرالمؤمنین»، خود این هم یک ذکر فضیلتِ امیرالمؤمنین علیه السلام است، «امام علی» خیلی فضیلتی نیست، چون یک معنی مشترک است، «امیرالمؤمنین» گفتن.... چون حضرت فرمودند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مرا امیرالمؤمنین قرار داد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هم اینطور دستور دادند، فرمودند: «سَلِّمُوا عَلَيَّ يَا مَرْهَ الْمُؤْمِنِينَ» وقتی به علی بن ابیطالب سلام می کنید بگویید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»، وقتی شما «امیرالمؤمنین» می گوئید هم مشخص است که امیر کیست و دیگران هیچ چیزی نیستند، ثانیاً فضیلتِ امیرالمؤمنین علیه السلام است، معنای اختصاصی دارد، ان شاء الله یک روزی هم آن کسی که به ذهن او رسیده است اتوبان امام علی علیه السلام را بسازد که ساخته اند، یک روزی هم به ذهن کسی برسد که بشود اتوبانِ امیرالمؤمنین!

وقتی به خانه تشریف ببرید و ببینید، شاید در این زیارت غدیریهِ پُر تکرارترین عبارتی که حضرت هادی روحی له الفداه در آن استفاده کرده اند «امیرالمؤمنین» است! چون در خودِ واژه ی «امیرالمؤمنین» همه چیز هست، هم فضائلِ حضرت است، هم نفیِ امارتِ دیگران است، هم ولایت است و هم برائت! همه چیز در آن هست! لذا شنیدنِ آن برای بعضی ها درد دارد! و متأسفانه سعی کردند برای دیگران بکار ببرند، الآن اگر به غیر از شیعه «امیرالمؤمنین» بگویید شخصِ دیگری را حساب می کنند که اینجا هم تعبیرِ تندِ علیه آن ها هست.

یکی دیگر از زیبایی های این زیارت که... اگر ان شاء الله یک زمانی فرصت کردید مثلاً شبی یک صفحه از

آن را با دقت بخوانید تا نزدیک مباحله همه ی آن را خوانده اید، یعنی انسان روزی ده دقیقه برای امیرالمؤمنین علیه السلام وقت بگذارد! آن هم اینکه منابع شیعه و سنی نقل کرده اند، خود امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ... این تکراری است، ولی چون تکرار آن هم ثواب دارد عرض می کنم، من مادر خود را نیت می کنم شما هم که این مطلب را می شنوید امواتان را در نظر بگیرید... حضرت فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ لِأَخِي عَلِيٍّ فَضَائِلَ لَا تُحْصَى كَثْرَةً» (1) خدای متعال آنقدر فضائل برای برادر علی بن ابیطالب قرار داده است که اصلاً نمی توان آن را شمرد، «فَمَنْ ذَكَرَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِهِ مُقْرَأً بِهَا» کسی که یکی از فضیلت از فضائل او را بیان کند و به آن اقرار داشته باشد، یعنی چه اینکه من الآن برای شما بگویم و چه اینکه شما برای خودتان یا دیگران بگویید...

به حشر هم که برانی مرا ز خویش *** هنوز از این که نام تو بردم به تو بدهکارم...

اینکه نام شما بر زبان من جاری شود... فرمودند: «فَمَنْ ذَكَرَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِهِ مُقْرَأً بِهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ» خدای متعال همه ی گناهانی که او انجام داده است و همه ی گناهانی که پیامد دارد، گاهی نستجیر بالله من یک غلطی می کنم و کسی را گرفتار می کنم و آن مدام ادامه پیدا می کند، خدای متعال همه ی این ها را می بخشد، «وَلَوْ وَافَى الْقِيَامَةَ بِذُنُوبِ الثَّقَلَيْنِ» ولو اینکه وقتی وارد محشر می شود به اندازه ی همه ی جن و انس با خود گناه بیاورد... این از گفتن؛ و بعد فرمودند: «وَمَنْ اسْتَمَعَ إِلَى فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ»

ص: 16

1-5. روضه الواعظین، ج 1، ص 114 (قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَ لِأَخِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَضَائِلَ لَا يُحْصَى عَدَدَهَا غَيْرُهُ فَمَنْ ذَكَرَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِهِ مُقْرَأً بِهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ لَوْ وَافَى الْقِيَامَةَ بِذُنُوبِ الثَّقَلَيْنِ وَ مَنْ كَتَبَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِ عَلِيٍّ لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا بَقِيَ لِيَتْلِكَ الْكِتَابَةَ رَسْمًا أَوْ أَثَرًا وَ مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اِكْتَسَبَهَا بِالإِسْتِمَاعِ وَ مَنْ نَظَرَ إِلَى كِتَابِهِ فَضَائِلِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اِكْتَسَبَهَا بِالنَّظَرِ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ النَّظَرُ إِلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِبَادَةٌ وَ ذِكْرُهُ عِبَادَةٌ وَ لَا يَقْبَلُ إِيمَانُ عَبْدٍ إِلاَّ بِوَلَايَتِهِ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِ.)

کسی که فضیلتی از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام را بشنود، و در جایی هم فرمودند: «وَمَنْ نَظَرَ إِلَى كِتَابِهِ فَضِدَّ يَلَهُ مِنْ فَضَائِلِهِ» خدای متعال همه ی گناهانی که با چشم و گوش مرتکب شده است را می بخشد.

لذا همین که بخوانید، جمله به جمله ی این زیارت فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام است... فرمود: «وَمَنْ كَتَبَ فَضِيلَهُ مِنْ فَضَائِلِ» کسی که یک فضیلت از فضائل او را بنویسد... یعنی ابتدای نوشته های تان یک «یا امیرالمؤمنین علیه السلام» بنویسد چون فضیلت امیرالمؤمنین است، فرمودند: «لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ» ملائکه مادام برای او استغفار می کنند، یعنی همه ی ملائکه، هر فرشته ای که خدا دارد، از بزرگ ترین تا کوچک ترین، «لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا بَقِيَ لِيَتْلِكَ الْكِتَابِ رَسْمٌ»...

برخی از بزرگان ما مانند آقا شیخ محم تقی آملی رحمه الله علیه در حال نوشتن کتاب فقهی بودند، مثلاً کنار آن هم در هر صفحه یک «یا امیرالمؤمنین» می نوشت، من در نسخه های خطی آستان قدس دیده ام که هشتصد سال پیش در نسخه ی خود یک «یا امیرالمؤمنین» نوشته است، هشتصد سال است «لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا بَقِيَ لِيَتْلِكَ الْكِتَابِ رَسْمٌ» طبیعتاً هم نوشتن آن اثر است و هم چاپ کردن آن.

یکی از ویژگی های جالب این زیارت این است که امام هادی علیه السلام در حال صحبت کردن با امیرالمؤمنین علیه السلام است، مدام تصریح می کنند که تو مولای من هستی!

مثلاً در همان اوایل زیارت است که «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ وَلِيَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ» تو وارث علم انبیاء هستی، سید اوصیاء هستی، ولی رب العالمین هستی، و بعد از

آن می فرمایند: «(وَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ)» تو مولای من هستی و مولای مؤمنان هستی!

واقعاً چقدر منت گذاشته اند که اجازه بدهند... من و رفاقت با تو حیف از تو... من بگویم مولای من؟ اگر به جای جای این عبارات نگاه کنید حضرت خود را جدا می کنند و با عشق اقرار می کنند که تو مولای من هستی، خودشان امام هستند ولی می فرمایند تو مولای من هستی، «(وَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ)» .

و یا دیدید در اواخر قسمتی از دعا که می خواندند فرمودند پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم تو را در روز غدیر مولای من و مولای مؤمنین قرار داد، خودشان را خاص می گویند، یعنی افتخار می کنند که من هم مخاطب پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بودم.

در اسلام اصالت با چیست؟

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ اللَّهِ الْقَوِيمَ» اصلاً تو دین هستی، ما جملات و گزاره هایی نداریم که اعتبار دین و گزاره های دینی به امام معصوم و خاصه رأس آن ها امیرالمؤمنین علیه السلام باشد، تو دین هستی نه اینکه تو را باید با دین بسنجیم! تو را نباید با دین تطبیق بدهیم بلکه دین از تو اخذ می شود، تمام اعتبار قرآن به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که این ها کلام خداست، وگرنه اگر پیغمبری نبود که آن کتاب مانند مابقی کتب بود، همانطور که اگر حضرت مریم سلام الله علیها نبودند هر شخص دیگری که مادر حضرت عیسی علیه الصلاه و السلام بود ممکن بود به او جسارت شود، هیچ کس باور نمی کرد... همین الآن که ما این تجربه

را داریم اگر بگویند همچنین اتّفاقی افتاده است چه اندازه حرف در می آید، یعنی اگر در یک خانه ی محترم می هم باشد، فرض کنید در خانه ی یک مرجع تقلیدی یک دختر ازدواج نکرده ای فرزنددار شود، کسی باور نمی کند، اگر حضرت مریم سلام الله علیها نبود و شخص دیگری بود کسی باور نمی کرد، اگر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نبودند که کسی قرآن را باور نمی کرد، این قرآن ادّعای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم است، دین خود امیرالمؤمنین علیه السلام است.

بله! گاهی پیش می آید که امام معصوم علیه السلام، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، انبیاء گذشته علیهم السلام خودشان را برای هدایت مردم حتّی به کشتن هم می دهند، ولی اعتبار دین به امیرالمؤمنین علیه السلام است، تو صراط مستقیم هستی...

ما عرض می کنیم که در اسلام اصالت با چیست؟ شاید می شود صد مورد را نام برد، مثلاً امروز می گویند عدالت، فردا چیز دیگری می گویند، روز بعد چیز دیگری می گویند، اصالت با ولایت است! که الآن «قاما أو قعدا» او امام است، بله! یک قواعد کلیّه ای هست، اما امام است که می فرماید قیام کن یا بنشین، اوست که تشخیص می دهد الآن باید چکار کنیم و تشخیص او هم مانند ما تشخیص ظنی و اجتهادی نیست.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ اللَّهِ الْقَوِيمَ وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ» تو دین خدا هستی، تو صراط مستقیم هستی، لذا اگر کسی دین خدا را انکار کند.... در تمام آن حرف های برائتی امام هادی علیه السلام که نمی خواند نستجیر بالله فحش بدهند، کسی که صراط مستقیم را انکار کند، کسی که دین

قویم خدا را انکار کند، دینی ندارد! منکر دین منکر دین است دیگر!

حالا ممکن است که در ذهن ها بیاید که اگر آن بدبخت نفهمید چه؟ مانند مابقی جاها! برای بت پرست چه می گوئید؟ این هم مانند همان است! کسی که بت می پرستد می خواسته است که خدا را پرستد و به جای خدای متعال بت را می پرستد، ولی فعلاً بت پرست است و دین ندارد! موحد نیست... حالا بگو کارتن خواب است و... حالا اگر نفهمیده است و نمی داند، خدای متعال ظالم نیست! ولی بالاخره بت پرست است دیگر! آن کسی هم که فهمیده است که حضرت فرمودند: «فَلَعَنَ اللَّهُ جَا حِدَ وَلَا يَتَّكَبَعَدَ الْإِقْرَارِ» یعنی اگر فهمید که دیگر حضرت لعنت خاص می کنند.

کسی که دین مستقیم، دین قویم، صراط مستقیم را انکار کند که دیگر دینی ندارد، لذا عبارات امام هادی سلام الله علیه تفسیر همین جمله شان است، ما هم همین اندازه... اگر کسی این جمله را بپذیرد مابقی جملات امام هادی علیه السلام را می فهمد که چرا حضرت این عبارات را می گویند.

یکی از نقدهای حقیر با بی سوادى ام به جلسات غدیری این است که محور عرایض و حرف هایمان و شعرهایمان برای عید غدیر نباید فضائل باشد، فضائل را همیشه بگوئیم خیلی خوب است، روز غدیر هم بگوئیم، ولی محور بحث های غدیری فضائل نیست، بلکه امامت حضرت است.

امیرالمؤمنین علیه السلام آری یا نه؟ یعنی دین آری یا نه؟ بادین یا بی دین؟ کافر یا مسلمان؟ مسئله ی غدیر مسئله ی امامت است، با فضیلت گفتن....

متأسفانه یکی از مبلغان مشهور که خیلی هم زحمت کشیده است، انصافاً سنت های حسنه ی زیادی هم ایجاد کرده است، به اربعین کمک کرده

است، فرموده است که بیاید برای غدیر فلان مسئله را مطرح کنیم!... آقا! ناخواسته در حال فاصله گرفتن از مفهوم غدیر هستی!

روز مباحله، روز تولد امیرالمؤمنین علیه السلام و... هر روز فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام را بگویید، روز غدیر هم فضیلت بگویید ولی نباید محور آن فضیلت باشد، محور اصل دین است، چرا غدیر عید الله الاکبر است؟ عید الله الاکبر یعنی روز تجلی مهم ترین چیزی که ربط ما با دین است! امیرالمؤمنین علیه السلام حقیقت دین است، انکار ایشان هم انکار دین است، چیزی نمی ماند!

لذا از نظر ما کسی که امیرالمؤمنین علیه السلام را انکار کند با موش پرست فرقی نمی کند! بله! باز هم عرض می کنم که زمانی به کسی حق نرسیده است، مانند مابقی موارد که مثلاً کسی بین اسکیموها زندگی می کند و حق به او نرسیده است، هر رفتاری که خدای متعال با او می کند با مابقی اشخاصی هم که واقعاً حق به آن ها نرسیده است و ما هم آن ها را نمی شناسیم و نمی توانیم تشخیص دهیم انجام می دهد.

ولی منکر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام فرقی با موش پرست نمی کند! چون آن چیزی را که نباید انکار می کرده است انکار کرده است، اصل دین! اصل بحث است! ریشه ی همه ی بحث هاست! لذا در روایات فراوانی داریم که «معرفت الله» چیست؟ کسی نمی تواند امام را بشناسد، اگر کسی بداند «معرفت الله» چیست، اگر کسی بداند که منظور گویندگان از «الله» چیست می داند که خدا قابل شناخت نیست، هیچ کسی به کُنه ذات حق حی قیوم راهی ندارد، حتی حضرت رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم هم فرمودند: «مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ»⁽¹⁾... هیچ کسی

ص: 21

راه ندارد، پس «معرفت الله» یعنی چه؟ «معرفت الله» واجب است دیگر، اولین مرحله توحید است، «معرفت الله» یعنی چه؟ مگر می شود خدای متعال را شناخت؟ از معصوم پرسیدند «معرفت الله» چیست؟ فرموده است که معرفتِ امامِ زمانِ توسست! یعنی چه؟ یعنی امام تو خداست؟ نخیر! خدا را نمی شود شناخت، چیزی را که نمی شود شناخت باید برای آن نشانه استفاده کرد، باید اشاره کرد، مثلاً برای خدا هم اشاره می کنند: «رحیم»، «کریم»، «حَی»، «قَیُّوم»، «رحمان»، «الله» و... همه ی این ها اشاره است دیگر، یعنی اشاره است به آن وجود، وگرنه چه کسی می داند رحمتِ خدا یعنی چه؟ چه کسی می داند که خدای سمیع یعنی چه؟ چه کسی می داند حقیقتِ آن چیست؟ چه کسی می داند حقیقتِ کَرَمِ خدای متعال چیست؟ این اصلاً قابلِ فهم نیست...

اگر انسان بخواهد چیزی را بفهمد باید به آن احاطه پیدا کند، نمی شود به خدای متعال احاطه پیدا کرد، لذا کُنْهِ ذاتِ او قابلِ فهم نیست، تعبیرِ مختلفی هم برای آن دارند، لذا برخی می گویند بهترین اسمِ لفظیِ خدای متعال «هو» است، چون اشاره به ضمیرِ غایب می کند و در آن ناشناخته بودن هست، یعنی او که نمی دانم کیست.

امیرالمؤمنین روحی له الفداء و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که «والله ما لله عز و جل آیه هی اکبر منی» (1) بخدا مهم ترین اسمِ خدا من هستم، بهترین نشانه ی خدا من هستم...

ما که خدا را نمی شناسیم، خدا را با اسماء و صفاتِ او می شناسیم، یعنی با اشارات، با کنایه و آدرس می شناسیم، کدام اسمی از این اسم ها نشانه ای بهتر از امیرالمؤمنین علیه السلام است؟ فرمود: «والله ما لله

ص: 22

عَزَّ وَجَلَّ آيَةٌ هِيَ أَكْبَرُ مِنِّي» بخدا خدای متعال اسمی بزرگ تر از من ندارد... برای همین می گویند امام اسم اعظم است، امام یوم الله است، امام ليله القدر است، همه اشاره به آن... .

برای همین گفتند «معرفت الله» چیست؟ فرمودند: معرفتِ امامِ زمانِ تو، چون اگر دنبال این هستی که خدا را بشناسی نمی توانی بشناسی، باید دنبال اسماء و صفات بروی، لفظ «هو» چقدر بار در فهم ما نسبت به خدا دارد؟ شخصی امیرالمؤمنین روحی له الفداه چقدر اشاره می کند؟ لذا اگر کسی بخواهد خدای متعال را بشناسد باید امیرالمؤمنین علیه السلام را بشناسد، حالا اگر کسی مهم ترین نشانه ی خدا... چون ما نمی توانیم طور دیگری خدا را بشناسیم، اگر کسی امیرالمؤمنین علیه السلام را نشناسد اصلاً خدا را نشناخته است، منکر امیرالمؤمنین علیه السلام نه با کنایه، نه با مجاز، نه با مبالغه ی ادبیاتی، والله منکر امیرالمؤمنین علیه السلام منکر خداست، چون خدا را نشناخته است، مهم ترین نشانه را رد کرده است، چطور می خواهد پیدا کند؟ دیگر نمی تواند راهی پیدا کند، مهم ترین تابلویی که به کدام مسیر بروید امیرالمؤمنین علیه السلام است، اگر این را حذف کند که نمی تواند راهی برود، دین تویی، صراط تویی، «السَّلَامُ عَلَیْ إِسْمِ اللَّهِ الرَّضَى» سلام بر نام خدا، مهم ترین نشانه ی خدا... .

لذا در این عالم خبری نیست، اینجا هم فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ» (1) چه خبر؟ «عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ» (2) از آن خبر بزرگ، «الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ» (3) همه هم در آن اختلاف دارند... اینجا امام هادی علیه السلام می فرمایند: تو آن نبأ عظیم هستی، «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ» وقتی مردم در تو اختلاف

ص: 23

1-8. سوره مبارکه نبأ، آیه 1

2-9. سوره مبارکه نبأ، آیه 2

3-10. سوره مبارکه نبأ، آیه 3

کردند دین داری ها هم مختلف شد، لذا یک عده کافر شدند، «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَنْهُ يُسْأَلُونَ».

اهمیت حدیث منزلت

عبارات خیلی مهمی دارد که جلسه ی بعد به آن اشاره می کنیم، فقط این یک مطلب را بگویم که خیلی مهم است، می ترسم تا هفته ی آینده زنده نباشم این نکته را بگویم، دوست دارم که در کارنامه ی عمل بنده این آمده باشد.

حضرت فرمودند: «قُلْتَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ نَظَرَ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَمَا» پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم دیدند که من در حال شمشیر زدن با شجاعت و تمام توان هستم، اینجا فرمودند: «يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلِهِ هَاؤُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» اگر این زیارت هیچ چیزی نداشت، یعنی اگر زیارت امام هادی علیه السلام فقط همین عبارتی بود که بنده خواندم بود، خود این باید عَلم و پرچم می شد و روی سردرها زده می شد، ای کاش آن هایی که در حرم امام رضا علیه السلام کتبه ها را می نوشتند اینطور می نوشتند، چرا؟ چون اگر کسی به این حدیث منزلت توجه کند، حدیث منزلت از خود حدیث غدیر مفهوم فضیلتی برتری دارد، نصّ روشن تری بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام است، روز غدیر روز انتصاب امیرالمؤمنین علیه السلام است، اما حدیث منزلت از جهت معنوی فوق العاده است، یعنی بسیار روشن تر از حدیث غدیر است، چرا؟ چون در قرآن داریم به حضرت موسی علیه السلام می فرماید: (وقتی او را به نبوت می رساند) در طول زندگی ات (وقتی به دنبال همسر و فرزند خود رفت، رفتند و گم کردند و نور دیدند

و... فرمود: «فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدُ عَلَى النَّارِ هُدًى» (1) آنجا رفت و «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى * وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى» (2) تو پیغمبر شدی، این منتهای منت است، منت یعنی یک نعمت ویژه...

نعمت های ما در زندگی زیاد است، ولی نعمت های بزرگ... مثلاً اینکه گفته اند «نَعِيم» چیست؟ مثلاً ما یک غذای ویژه بخوریم خدای متعال از ما سوال می کند؟ امام علیه السلام می فرماید: کَرَمَ خدای از این أَجَلَّ است، گفتند پس این «ثُمَّ لَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (3) چیست؟ حضرت فرمودند: آن ها که «نَعِيم» نیستند، «نَعِيم» ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است...

یعنی خدای متعال برای شما چند منت گذاشته است، یکی اینکه شما در خانه ی ولایی بزرگ شده اید، این منت است، نعمت زیاد داده است، هر نفسی که فرو می رود و... نعمت است، ولی منت ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است، منت این است که شما را حضرت سیدالشهداء علیه السلام بطلبند، این ها منت است، هر چیزی منت نیست.

امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر کسی خنکی محبت ما را در دل خود احساس کرد مادر خود را دعا کند، مادر ولایی منت است، خیلی ها نعمت است...

اینجا خدای متعال بلافاصله بعد از «وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى» به حضرت موسی علیه السلام فرمودند که «وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى» (4) ما قبلاً هم به تو... چون می دانید که نبوت پیغمبر اولوالعزم شوخی نیست... رفتی یک مشعل بیاوری «وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى» می خواهم به تو وحی کنم، این خیلی منت بزرگی است، بلافاصله می فرماید: «وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى» قبلاً هم به تو منت داده ایم...

آنجا چند نعمت پشت

ص: 25

-
- 1-11. سوره مبارکه طه، آیه 10 (إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدُ عَلَى النَّارِ هُدًى)
 - 2-12. سوره مبارکه طه، آیه 12 و 13 (إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى * وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى)
 - 3-13. سوره مبارکه تکوین، آیه 8
 - 4-14. سوره مبارکه طه، آیه 37

هم هست که انسان نمی داند، خدای متعال می فرماید این را دادیم و این و... «قَالَ قَدْ أُوتِيَ سُؤْلُكَ يَا مُوسَى» (1) در آن مقدار زیادی نعمت است، کدام یک از این ها منت است؟ یکی از آن ها را اینجا تصریح می کند که در تورا در خانه ی فرعون بزرگ کردم که قصد کشتن تورا داشت...

دیگری چیست؟ از همه ی منت ها جمع بندی می کند و دو مورد را می گوید، وقتی دو مورد را می گوید یعنی مهم ترین ها را می گوید، می فرماید: موسی را یاد کن، بعد می فرماید: «وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا» (2)، چون خود حضرت موسی علیه السلام خواستند، «وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي * هَارُونَ أَخِي * اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي» (3) وزیر می خواهم، «وزیر» یعنی زیر بار برود، به او تکیه کنم، اینجا هم خدای متعال می فرماید: «وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا» برادرش هارون را از رحمت خودمان به او هبه کردیم، اینجا خیلی حرف دارم، قرآن عبارات خیلی مهمی راجع به حضرت هارون علیه السلام دارد.

حضرت هارون علیه السلام چیست؟ «وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي» (4) شریک امر رسالت است، زیر بار است، وقتی هارون می آید خدای متعال از آنجا به بعد دیگر او را با موسی بصورتی مثنی استفاده می کند، درحالی که وقتی خدای متعال در قرآن قصه ی حضرت موسی علیه السلام را می گوید بصورت مفرد می گوید، یعنی همسر و فرزند او را در ضمیر نمی آورد، چون موسی در هدایت اثر داشت، زن و فرزند خود را که در بیابان رها نکرد تا با برادر خود به سراغ فرعون برود، همه با هم رفتند، ولی قرآن ابتدا می گوید: موسی داشت می رفت... از کجا می فهمیم که همسر و فرزندانش به

ص: 26

1-15. سوره مبارکه طه، آیه 36

2-16. سوره مبارکه مریم، آیه 53

3-17. سوره مبارکه طه، آیات 29 تا 31

4-18. سوره مبارکه طه، آیه 32

دنبال او هستند؟ چون می فرماید: وقتی می خواست برود مشعلی بیاورد به اهل خود گفت، یعنی آن ها به دنبال حضرت موسی علیه السلام بودند، ولی قرآن بصورت مفرد بکار می برد، چون او در هدایت یکی بود، بعد که هارون می آید می فرماید: «إِذْهَبَا»، «فَاعطِيَا»، «قُولَا»، یعنی دو نفری! باز هم همسر و فرزندان حضرت موسی علیه السلام با او هستند، آن ها را نمی گوید ولی هارون را اضافه می کند، هارون شریک امر رسالت می شود، زیر بار نبوت، این عبارت که «يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلِهِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» یعنی تو شریک امر رسالت هستی.

لذا این است که وقتی آن بیچاره را می فرستد که برود آیات ابتدایی سوره توبه را بیان کند، بعد همه می فهمیدند که اینطور نیست که بگوید «ما هم می رفتیم، می شد!» او را برمی گردانند... گریه کنان برگشت، گفت: آیا آیه در مورد من نازل شده است؟ حضرت فرمودند: «لا یؤدی عنی إلا أنا أو علی» باید یا من یا علی قرآن را برای مرتبه ی اول ابلاغ کنیم!

لذا فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ * وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ» (1) وقتی خدای متعال می خواهد بگوید ای پیغمبر! ما که همیشه هوای تو را داشتیم، به تو منت دادیم، مگر من بار تو را سبک نکردم؟

هم در روایات هست، هم ذیل همین حدیث منزلت مشخص است که «وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ بِعَلَى بْنِ أَبِيطَالِبٍ» یعنی بار تو را سبک کردم.

«یا کاشف الکرّب» آنجا «اشدُّدْ بِهِ أَزْرِي» پشت من به آن محکم باشد، اینجا «یا کاشف الکرّب عَن وَجْهِ النَّبِيِّ»... حدیث منزلت حدیث خیلی مهمی است، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شریک امر

ص: 27

رسالت هستند، در این حدیث هم عصمت هست، هم خلافتِ واضح دارد، اصلاً دیگر قابل قیاس با کسی نیست، حالا این ها را برای چه گفتیم؟ برای اینکه هیچ طوری نمی شود از دستِ این حدیث فرار کرد، آن هم با این عبارت که «يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» تو همه ی مراتب را داری «الا»...

اگر عرب به اندازه ی خیلی کمی هم ادبیات بداند و نخواهد عناد کند می داند که وقتی حکیم «الا» می گوید، اگر بخواهد استثنا کند باید همه را استثنا کند، مثل اینکه بگویم شما برادرِ من هستی الا اینکه مادرهایمان فرق می کند، «المؤمن اخ المؤمن...» مثل خواهر برادرِ تنی با یکدیگر هستند الا اینکه مادرهایمان در ولادت با یکدیگر تفاوت دارند، اگر من بگویم «الا» این، شما می گوید پس یعنی در مابقی امور هست دیگر! اگر قرار بود حذف کند باید آن ها را هم حذف می کرد، سر جای خود واضح است...

«يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» توفیق نبوت نداری، چون نبوت ختم شده است، نه اینکه تو حق نبوت نداری تو بالاتر از نبوت را داری ولی نبی نیستی، یعنی شریک امر رسالت هستی، خلیفه هستی، منتِ خدای متعال بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستی، وزیر هستی... خلیفه بعداً هست ولی وزیر همین الان است، همه ی این ها هستی و خیلی چیزهای دیگر هم هستی، همه ی این ها هستی ولی نبی نیستی، این یعنی همه چیز دیگر!

تنها راهی که برای فرار پیدا کردند این است که بگویند این حدیث در تبوک از رسول

خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است، ماجرای تبوک چیست؟ منافقان در مدینه زیاد بودند، حوالی سال دهم مدینه بود، یعنی آخرین سال های عمر شریف پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، منافقین زیاد بودند و مسیر طولانی بود، از معدود جنگ هایی که امیرالمؤمنین علیه السلام به همراه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نرفتند همین جنگ بود، چون منافقین زیاد بودند، آیات سوره ی توبه هم نشان می دهد، خیلی ها هم تخلف کردند، اگر پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم با امیرالمؤمنین علیه السلام می رفتند تا برگردند منافقین کودتا کرده بودند و شهر را گرفته بودند، مثل جنگ های قبلی نبود که یک شخص دیگر را بشود گذاشت، البته پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم انسان باتقوا بجای خود خلیفه می گذاشتند، ولی جایی که سه نفر هستند خلیفه باید در جایی باشد که مهم است و خطرناک است، مرد در شهر نیست، یعنی مرد حقیقی و ایمان دار و مؤمن...

منافقین گفتند چون پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم دوست ندارند با امیرالمؤمنین علیه السلام همراه شوند نمی خواهند با او به جنگ بروند... ببینید که گاهی انسان چقدر بی انصاف می شود... آنجا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ، مِنْ مُوسَى»⁽¹⁾ تو نمی خواهی جانشین من بمنزله ی هارون از هارون باشی؟ «إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» ...

تنها راه فرارشان این است که بگویند این برای تبوک است و این مسئله به تبوک اختصاص دارد که انصافاً سخت است و مثل این است

ص: 29

که کسی در وسط اقیانوس از درخت بالا- برود، اینطور حرف زدن خیلی بی انصافی است، که انگار امیرالمؤمنین علیه السلام خلیفه ی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در بین زنان و کودکان شد! نه خلیفه ی پیغمبر مانند هارون!

که اگر این باشد باید بگوییم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نستجیر بالله حرف زدن بلد نبودند!

مثل اینکه من بخواهم کسی بعد از من مبصر کلاس باشد، او را طوری معرفی کرده ام که همه تصور کرده اند که او معلم کلاس است! این طور حرف زدن خلاف حکمت است! آن ها این را می گویند و امام هادی علیه السلام مبارزه می کنند، گاهی به ما هم می گویند در منابع شما هم آمده است که حدیث منزلت (در کتاب سَلِیم) در روز تبوک از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم صادر شده است، پس فقط اختصاص به آن زمان دارد، که یکی از پاسخ های ما این است که موارد زیادی داریم که حدیث منزلت در غیر از تبوک هم صادر شده است.

ممکن است یک فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام به چند جهت توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تکرار شده باشد، مانند حدیث ثقلین که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چهار مرتبه در چهار مکان مختلف... در عرفه و طائف و مدینه و حجّه الوداع و روز عید غدیر فرموده اند! تکرار کرده اند، حدیث ثقلین را هم عرفه فرمودند، هم ده روز بعد از آن در روز غدیر فرمودند! تکرار فرمودند! سند؟ این سند!

دیدید که امام هادی علیه السلام فرمودند: یا علی! تو فرمودی آن

لحظه ای که وسط جنگ شمشیر می زدم، «أَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَمَا» با شجاعت و تمام توان شمشیر می زدم، بار پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را در جنگ برداشتی...

من این را بارها در محضر شما عرض کردم که «ابن مسعود» گفت: ما از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می پرسیدیم «وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ»⁽¹⁾ یعنی چه؟ ما هیچ چیزی نداریم، نیرو نداریم، سرباز نداریم، متخصص نداریم، امکانات نداریم، و این ها چند هزار نفر تا دندان مسلح هستند؟ یعنی چه که خدا ما را در جنگ ها کفایت می کند؟ در بدر فهمیدیم، چون علی علیه السلام یک تنه خیلی کارها را انجام دادند، ابن مسعود می گوید: پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به ما آموزش دادند «وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ»، بار پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را سبک کردی دیگر! تو وزیر هستی....

چرا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حدیث منزلت را وسط جنگ فرمودند؟ برای اینکه آن کسی که بار روی دوش پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را برداشتند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او تکیه کردند و «اشدُّ بِهِ أَزْرِي» شد، وسط جنگ اتفاق افتاد، لذا فرمودند: «يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي».

روضه حضرت مسلم علیه السلام

جمله ی دیگری بگویم و وارد روضه بشود؛ می گویم یا امیرالمؤمنین! شما سادات خلق هستید... من دیروز حرم امام رضا علیه السلام به حضرت توسل کردم که آقا راضی باشید و اجازه بدهید ما جملاتی بگوئیم تا بعضی ها در این

ص: 31

1-21. سوره مبارکه احزاب، آیه 25 (وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا)

جلسه تصمیم بگیرند غدیر را در محلّه ی خودشان ترویج کنند؛ وقتی می گوید اگر کسی یک وعده غذا بدهد یک میلیون نفر را اطعام کرده است، آن هایی که به هیئت می آیند نوش جانشان! ثواب دارد! اما می شود غذا را در خانه ی کسانی برد که از این نعمتی که من و شما داریم و سر سفره ی امیرالمؤمنین علیه السلام آمده ایم محروم هستید، یک پرس غذای ولایت در خانه ی بعضی بدهید تا بچشند؛ می گویند برای چه غذا داده اند؟ می گویند به عشق امیرالمؤمنین علیه السلام! به کسی که ظاهر او به شما نمی خورد برسانید، بگویند روز عید غدیر است، اگر انسان هیچ چیزی نداشته باشد یک پرس غذا و یک ساندویچ سخت نیست، تبت کنید ان شاء الله پرچم غدیر را بلند کنید، غدیر بین ما تجلیل بشود.

می گوئیم ائمه ی شما سادات خلق هستند، کنار حرم در جایی نزدیک ضریح مطهر حضرت رضا علیه السلام ایستاده بودم، آن شعری که یک بند آن را یک زمانی خوانده بودم مقابل رویم بود، همان مصرع «نومید و مفلسیم و نداریم هیچکس»، کنار آن یک بند دیگر آن است که دیدم در این زیارتنامه هست...

شاعر اینطور گفته است که در حرم امام رضا علیه السلام هست، می گوید:

روز جزا که نوبت ملک قدم زنند *** ارواح انبیا همه از قرب دم زنند

اهل صفا به روضه جنت علم زنند *** ارباب معصیت چون نفیر ندم زنند

اهل صفا مومنین هستند که می خواهند به بهشت بروند، گنهکارها پشیمان هستند و دیگر هم دیر است...

آل علی نخست به میدان قدم زنند *** وز پیشگاه عفو صلاهی گرم زنند

می گویند اینجا گرم می کنند....

ز مغفرت به نامه هر کس رقم زنند...

ان شاء الله پاک می کنند، «حُبُّ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَسَنَةٌ، لَا يَصُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ، وَبُغْضُهُ سَيِّئَةٌ لَا تَنْفَعُ مَعَهَا حَسَنَةٌ» (1)...

آل علی نخست به میدان قدم زنند *** وز پیشگاه عفو صلاهی گرم زنند

وز مغفرت به نامه هر کس رقم زنند *** مقبل کسی که بنده ی اولاد حیدر است

مقبل یعنی خوش به حال آن شخص... در این زیارت اینطور آمده بود که تو و برادرت و عمویت «أَشَدُّ هُدًى أَنْتَكَ وَ عَمَّكَ وَ أَخَاكَ الَّذِينَ تَاجَرْتُمْ اللَّهَ بِنُفُوسِكُمْ» روز عید غدیر، روز 18 ذی الحجه ی آن سال نه جعفر زنده بود و نه حمزه، عجیب است! صد هزار نفر حاضر بودند ولی هیچ کسی پای کار نشد! ولی امام هادی علیه السلام می فرماید: تو و برادرت و عمویت پای کار ایستادید، خود امیرالمؤمنین علیه السلام هم فرمودند: اگر آن دو نفر بودند من غریب نمی ماندم!

روز غدیر نبودند، روز سقیفه نبودند، روز هجوم نبودند، ولی امیرالمؤمنین بین این بודהا را کاری نداشتند، دو نفر نبودند!

امروز به آن کسی متوسل هستیم که روز عاشورا نبود! ولی حضرت سیدالشهداء علیه السلام زمانی که غریب شدند و چپ و راست را نگاه کردند، وقتی صدا زدند فرمودند: یا مسلم بن عقیل... جای تو خالیست...

یک چیزی اخیراً مرا خیلی اذیت کرده است، در مقتل این آقا دقت کنید، داماد امیرالمؤمنین علیه السلام است، بعضی نقل ها می گویند که دختر امیرالمؤمنین علیه السلام یک سال بیشتر دوام نیاوردند، حضرت سیدالشهداء علیه السلام خیلی برای او گریه کرده است، یک چیزی هست که خیلی غریب این آقا را نشان می دهد، این آقا خودشان را

ص: 33

1- 22. ابن شاذان قمی، أبو الفضل سدیدالدین، الروضه فی فضائل أمير المؤمنين علی بن أبی طالب (علیهما السلام)، محقق، مصحح، شکرچی، علی، ص 28، قم، مکتبه الامین، چاپ اول، 1423ق؛ علامه حلی، حسن بن یوسف، نهج الحق و کشف الصدق، ص 259، بیروت، دار الکتب اللبنانی، چاپ اول، 1982م؛ أبو شجاع دیلمی همدانی، شیرویه بن شهردار، الفردوس بمأثور الخطاب، ج 2، ص 142، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، 1406ق.

در غربت شریک کردند، زیر پرچمِ غربتِ امیرالمؤمنین علیه السلام رفته است...

دیده اید که می گوید وقتی حضرت مسلم علیه السلام تنها شدند در کوچه ها می گشتند، ایشان که انسانِ کوچه گرد نبودند، ایشان انسانِ محترمی بودند اما نمی دانستند باید به کجا بروند، «لا یدری اَینَ یذهب» نمی دانستند کدام طرف بروند، «فَنظَرَ یَمِیناً وَ یَسَاراً»... نکته ی اول اینجاست که چه کسی این را نقل کرده است، دشمن اگر او را می شناخت که به ایشان حمله می کرد، آن نامردهایی که حضرت مسلم علیه السلام را تنها گذاشتند از دور می دیدند که حضرت کجا می روند و غربتِ ایشان را برای ما روایت کردند، یعنی در حالِ تماشای غربتِ ایشان بودند، همانطور که وقتی به خانه ی امیرالمؤمنین علیه السلام حمله شد شک عده ایستادند و تماشا کردند...

در کوچه ها چپ و راست را نگاه می کردند و نمی دانستند کجا بروند، غریب شدند، چند شباهت به سیدالشهداء علیه السلام پیدا کرد، یکی اینکه خیلی غریب شد، تنها شد، چپ و راست را نگاه کرد و هیچ کس را پیدا نکرد، آنقدر غریب شد که وقتی می خواست برای سیدالشهداء علیه السلام پیغام بفرستد، وقتی به آن جمع نگاه کرد کسی آشنا تر از پسر اشعث پیدا نکرد که پیغام بدهد...

آمد کنارِ خانه ای نشست، خانه ی پیرزنی بود، در را باز کرد و پرسید کاری داری؟ چیزی می خواهی؟ فرمود: نه! پیرزن در را بست؛ مجدداً پیرزن در را باز کرد و پرسید کاری داری؟ چیزی می خواهی؟ ما اینجا آبرودار هستیم، برای چه مقابلِ منزلِ ما نشسته ای؟... عزیزِ خدا بود و عزیزِ خداست...

تا اینکه وارد جنگ شد، یک تنه با او جنگیدند، یک صبح تا ظهر

با او جنگیدند و از پس ایشان برنیامدند، این آدم چقدر عظیم الشان است... خدا می داند... به ایشان توسّل کنید... چقدر شباهت پیدا کرده است...

هر زخمی که حضرت سیدالشهداء علیه السلام خورده اند حضرت مسلم علیه السلام هم خورده اند، او را سنگ زدند، تیر زدند، با نیزه زدند، نتوانست آب بخورد، لحظات آخر هم آن بالا به سیدالشهداء علیه السلام سلام کرد...

لا یوم کیومک یا ابا عبدالله...

یک جمله به نیابت از حضرت مسلم علیه السلام می گویم... وقتی خبر شهادت حضرت مسلم علیه السلام رسید، امام حسین علیه السلام دختر او را صدا زدند، امام حسین علیه السلام دایی این دختر است... بعضی نقل ها می گویند این دختر در غارت خیمه ها در هجوم اسب ها زیر دست و پا...

امام حسین علیه السلام این دختر را به آغوش گرفت و دستی به سر و روی او کشید، یک نقل متأخر خیلی مرا می سوزاند... به سیدالشهداء علیه السلام نگاه کرد و عرض کرد چیزی شده است؟ برای چه مرا صدا کردی و دست به سر من می کشی؟ حضرت سیدالشهداء علیه السلام فرمودند: پدرت شهید شده است... این دختر خانم عرض کرد که خدا سایه ی شما را روی سر ما نگه دارد...

لحظاتی هم بود که دختر امام حسین علیه السلام بالای سر پدر آمد، فَجَاءَ عِدَّةٌ مِنَ الْأَعْرَابِ...

حجت الاسلام کاشانی

روز جمعه مورخ 09 شهریور 1397

مصادف با ایام عید سعید غدیر خم به ادامه سخنرانی پیرامون موضوع «زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر از زبان امام هادی علیه السلام» پرداختند که مشروح این جلسه تقدیم می شود.

ص: 1

اشاره

صوت

.Your browser does not support the audio tag

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * أَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (1) «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي» (2) «إِلَهِي أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى وَالْأَمْنَى التَّقْوَى» (3).

هدیه به پیشگاه امیرالمؤمنین علیه افضل صلوات المصلین صلواتی هدیه بفرمایید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيَّمَةِ الْمَعْصومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

ص: 1

1-1. سوره مبارکه غافر، آیه ی 44

2-2. سوره مبارکه طه، آیات 25 تا 28

3-3. صحیفه سجّادیه، صفحه 98

مقدمه

جلسه ی گذشته که بر سر سفره ی زیارت غدیریه ی حضرت هادی روحی له الفداه بودیم کمی از غربت غدیر عرض کردیم و چند فراز از این زیارت شریفه را با یکدیگر گفتگو کردیم، شاهد از غیب رسید، یکی از غربت های عجیب اهل بیت علیهم السلام این است که ما آنقدر در بحث از ولایت آن بزرگواران کم کاری کرده ایم که متأسفانه یک عده به نام دفاع از وحدت نگذاشتند ولایت مطرح بشود، در

حالی که خودِ داعیه دارانِ وحدت سردمدارانِ ولایت هستند و آن هایی که این دورا با یکدیگر خلط کردند نفهمیده اند.

هفته ی گذشته حرف های آقا را در موردِ عظمتِ این زیارت خواندیم، ایشان که پرچمدارِ وحدت هستند همین امسال روز اول فروردین در موردِ عظمتِ این زیارت صحبت کردند، بعضی نفهمیدند و حرفِ خودشان را به دیگران هم نسبت دادند.

آنقدر از ولایت نگفتیم که عقایدِ مردم مانندِ نهالِ ظریفی شده است که هر

ص: 2

کسی با یک فوت می تواند آن ها را تغییر بدهد.

از مظلومیت های از این بیشتر این است که بعضی ها... ان شاء الله خدای متعال آن ها را با اولیاء حقیقی شان محشور کند و اگر می فهمند در حال چه خیانتی هستند ان شاء الله خدای متعال آن ها را با غاصبِ حق حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها با صورت به آتش بزنند.

مطرح کردن چند شبهه در مورد غدیر توسط برخی شیعه نماها

متأسفانه شبِ عیدِ غدیر بعضی شیعه ها چند شبهه ی غیر مؤدبانه راجع به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام مطرح کرده اند و انسان نمی داند که این درد را به کجا ببرد و بگوید!

بعضی ها اینطور هستند که ایامِ محرمِ حرف های بنی امیه در مورد حضرت سیدالشهداء علیه السلام را می زنند و در شبِ عید غیر حرف هایی را که دشمنانِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام زده اند تکرار می کنند! این یک موضوعِ عادی ای نیست، من به بهانه ی اینکه چرا می خواهم این فرازاها از زیارت غدیریه را توضیح بدهم چند کلمه از متنِ این آقا را می خوانم که تیتیر عبارت شان این است: «بهره ی ما از غدیر و ولایت»، روز قبل از عید غدیر این را منتشر کرده است، این شخص مدعی اجتهاد هم هست.

می گوید در جامعه ی ما دو رویکرد نسبت به غدیر است، یک رویکرد این است که می خواهند از حکومتِ اسلامی دفاع کنند و غدیر را عَلم می کنند که این ربطی ندارد، من قصد ندارم به این قسمت وارد بشوم، بعد می گوید: گروه دوم کسانی هستند که غدیر را دست مایه ی تداوم بخشیدن به مجادلاتِ کلامی قرار داده و دینداریِ بدونِ ولایت را کُفر می دانند، عبارتِ صاحبِ حدائق را هم بعنوان کسی

که شاید تندترین حرف ها را در این زمینه دارد آورده است... در ادامه می گوید: در استدلال آن ها ولایت اساس اسلام است و مخالف آن حقیقتاً کافر است هر چند ظاهراً مسلمان است، اینجا کلام آقای خوبی را آورده است، در ادامه می گوید: پس غدیر هر ساله به ما پیام می دهد که شاگردان واقعی را بشناسید و مبادا آن ها را فراموش کنید، بررسی هر یک از این دو دیدگاه مجال گسترده ای می طلبد، منتها ایشان می گوید چکار کنیم؛ بینم خود حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام چه می فرمایند...

در ادامه می گوید: ولی به نظر می رسد با مراجعه ی مستقیم به کلام مولا اساساً نگاه مان به موضوع خلافت تغییر می کند و در حالی که نص بر امامت حضرت را پذیرفته ایم نمی توانیم با چنین تحلیل هایی موافقت کنیم، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام پس از تصدی خلافت از سوی دوستان خود مورد سوال قرار می گرفت که ماجرای تغییر خلافت پس از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چه بود، بالاخره امام با اصرار اینچنین پاسخ دادند که پس از وفات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به ذهن من خطور نمی کرد که خلافت را از من بگیرند ولی مردم به سوی فلانی روی آوردند و من ناراحت شدم و از همکاری کناره گیری کردم تا اینکه عدّه ای از اسلام روی گردانده شدند و به موعود دین فراخواندند، ترسیدم که اگر به کمک اسلام نشتابم آسیبی ببیند که مصیبت آن بیش از زوال ولایت من به شما باشد، زیرا این ولایت چند روزی ماندگار است و مانند سراب سپری می گردد؛ این کلام حضرت علاوه بر اینکه در

نامه 62 نهج البلاغه در منابع معتبر مانند «الغارات» و... هم آمده است، بعد در ادامه جالب است که می گوید: پیوسته بدون تردید مورد قبول بوده است!

وقتی عقاید همه ی شیعیان را می زنید مورد تردید نیست، آن را می زند بعد پایین برای اینکه استناد کند می گوید این روایت پیوسته بدون تردید مورد قبول بوده است، در ادامه می گوید: ما چند فهم داریم، یک: امام احتمال انحراف خلافت را نمی دادند یعنی یک فتنه ی از قبل طراحی شده نبود...

این ها شبِ عیدِ غدیر منتشر شده است! این ها برای شبکه ی نور و وصال و کلمه نیست، یک آخوند شیعه گفته است! پناه بر خدای متعال از اینکه بازی های سیاسی انسان را به اینجاها بکشاند.

می گوید: از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فاصله می گرفتند و در دامان معاویه می رفتند، اگر شما راست می گوید با علی بن ابیطالب مشکل دارید دیگر معاویه که واضح بود چه کسی هست! اگر شما به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام هم مشکلی داشتید چطور به معاویه می پیوستید؟ یعنی روی چه استدلالی؟ آیا معاویه با تقوا بود؟ آیا معاویه فسق و فجور علنی نداشت؟ آیا معاویه سابقه ی خوبی داشت؟ آیا معاویه مادر خوبی داشت؟ معاویه چه چیزی داشت که از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام عدول می کردید و به سراغ معاویه می رفتید؟ حداقل کنار می نشستید!

بلا تشبیه در زمان مختار اگر از مختار فاصله می گرفتند چرا به سراغ عبدالله بن زبیر می رفتند که این ها به دشمنی با اهل بیت علیهم السلام مشهور بودند؟

اگر می خواهید با جمهوری اسلامی مخالفت کنید مخالفت کنید، الآن که دیگر الحمدلله هر کسی هر چه بگوید کسی با او کاری ندارد، چرا با

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام درمی افتید؟ یک جریانی حدود ده سال است که در کشور ما برای اینکه با جمهوری اسلامی دشمنی کند با ولایت اهل بیت علیهم السلام دشمنی می کنند! از مسئول دولتی که چند مرتبه بهتان زده است، از کربلا و امام حسن مجتبی علیه السلام و امام رضا علیه السلام و حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و... تا این ها که برای تئوریزه کردن آن حرف ها.

الآن که موسم رأی نیست می شود این حرف ها را زد، مدام ما گریه کنیم و بگوییم که یک عده ای حق حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را خوردند... شما یک برگ رأی می دهید و یک نفر را بر سر کار می آورید که این شخص با ولایت اهل بیت علیهم السلام دشمنی می کند قطعاً شما در کار او شریک هستید، ما به آن کسی که رأی می دهیم و بالا می آید شریک هستیم مگر اینکه تحقیق کرده باشیم، و اگر اعلام براءت هم نکنیم به فعل او راضی هستیم دیگر، حال عبارات حضرت هادی علیه السلام را می خوانم، پس امام هادی علیه السلام برای چه کسی می فرماید که «ان شاء الله خدای متعال لعنت کند آن کسانی که به فعل آن ها راضی بودند»؟

اگر شما می خواهید با جمهوری اسلامی دشمنی کنید دشمنی کنید، جمهوری اسلامی که اینقدر دشمن دارد! چرا شما با ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام مخالفت می کنید؟ این علامت ناحق بودن است، آن هم با این استدلال های مسخره! اصلاً حیف است که نام آن را استدلال بگذارم!

در ادامه می گوید: اولاً حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می خواستند بفرمایند که ماجرای سقیفه از پیش تعیین شده نبود، دوماً:

این تغییر و انحراف با مشارکتِ عموم مردم اتفاق افتاد، امام برای جلوگیری از صدمه به اسلام به همکاری با دستگاه خلفا اقدام کردند، حضرت ولایتِ خود را (نستجیر بالله العظیم) مطاعِ روزهای گذرا و اندک می خوانند... بعد هم گفته است که غدیر روزی است که باید ببینیم خودِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام چه فرموده است!

این مطالب را اهل سنت نگفته اند، این مطالب برای یک فرد به ظاهر شیعه است! سَلَفِ این آقا که از دنیا رفته است که ان شاء الله خدای متعال او را با اولیاء حقیقی او محشور کند، او گفته بود که حدیث ثقلین گفته است که مادامی که به قرآن و عترت من تمسک کردید گمراه نمی شوید اما نگفته است که اگر به یکی از این دو تمسک کردید حتماً گمراه می شوید! بعد این شخص خود را شیعه می خواند!

اگر اینطور باشد من می گویم آیا فرموده است که اگر به یکی از این دو تمسک کردید حتماً نجات پیدا می کنید؟ بدبخت! خیر سرت ده سال در حوزه درس خوانده ای! ما مأمّن نیاز داریم، مثلاً اینطور نیست که بگویند شما از این به بعد شانزده رکعت نماز بخوانید که شاید پذیرفته بشود! با «شاید» که کار پیش نمی رود.

می خواهی نجات پیدا کنی و به زلالت نرسی باید به این دو تمسک کنی، اگر به این دو با یکدیگر تمسک نکردی می گویی ممکن است گمراه نشوی؟ ممکن است گمراه بشوی! انسان مأمّن از عذاب نیاز دارد، فراقِ ذمه نیاز است، یعنی من باید کاری انجام بدهم که یقین داشته باشم که مرا عذاب نمی کنند، شاید که به درد نمی خورد، اینطور

باشد که من می گویم شاید عذاب شدم یا شاید گمراه شدم!

این نق زدن های اینطوری نشان می دهد که مشکل بعضی ها جمهوری اسلامی نیست، من جسارت نمی کنم که بگویم مشکل ژنتیکی دارند ولی باید رجوع کنند و ببینند که مشکل آن ها کجاست، من اصلاً نسبت به یک سنی اگر اینطور حرف بزند اینطور تند نمی شوم، چون آن ها اصلاً نشنیده اند، اما تو می گویی من شیعه هستم و در شیعه هزاران هزار روایت هست، ما با آن ها فرق داریم، آن بیچاره ها ندارند، تازه این یکی است، اگر من می خواستم در نقض به این حرف هایی که این آقا زده است بیش از هزار روایت بود، یکی از آن ها این کتاب است، این کتاب «وسائل الشیعه» است که فقها روی آن فتوا می دهند، جلد اول، باب بیست و نه، «بابُ بطلان العبادة بدون ولایه الأئمة»، یک باب است که روایات زیادی هم دارد، شما یک روایت آورده اید و این کتاب هم که تازه کتاب فقهی است و کتاب روایتی نیست نوزده روایت آورده است.

مگر انسان عاقل همینطور حرف می زند؟ یک روایت از کتاب معتبر «غارات ثقفی»! بعد می گوید من فقه هم خوانده ام! مگر می شود روی کتاب «غارات ثقفی» فتوا داد؟ آیا سند متصل دارد؟ غیر از آنکه آن معنایی هم که او می گوید ندارد.

در این جلسه طلبه های متعددی هستند، ما کجا در فقه می خواهیم حرف بزنیم در مقابل یک مجموعه تفکری که هزاران هزار دلیل دارد یک روایت نیم بند می آوریم؟ انتهای آن این است که این روایت با آن ها تعارض دارد! آیا این مدل بحث است؟ آیا تو نمی دانی؟ آیا خود تو «تعادل و تراجیح» نخوانده ای که من

باور کنم تو مثل آن سنی ها نفهمیده ای؟

شبِ عید غدیر این آقا حرف هایی زدند که نگذاشتند من بخوابم و من تا صبح او را لعن کردم، ان شاء الله خدای متعال هر کسی که دانسته خدشه ای در ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می کند لعنت کند، ما در مورد آن بدبختی که نمی داند که حرفی نداریم، کسی که «تعادل و تراجیح» را تدریس می کند، یعنی چه؟ یعنی اگر زمانی روایات معارض شدند ما چکار کنیم.

ما هزاران هزار روایت در اهمیت ولایت اهل بیت علیهم السلام داریم، بعد تو بگویی یک روایت در «غارات ثقفی» داریم که پیوسته مورد قبول هم بوده است؟! می خواهد مطلب را به زور جا بیندازد! «غارات ثقفی»؟! کتاب تاریخ؟! شما با کتاب تاریخ فتوا می دهید؟! آیا شما مجتهد هم هستید؟

این زیارتی که ما امروز خواندیم... که من الآن چند روایت بخوانم که الآن آتش خودم بخوابد و از دست این شخص عصبانی نشوم. شما یک روایت خواندی و من الآن سه روایت مخالف آن را می خوانم، این که شیوه ی بحث نیست!

اهمیت ولایت در بیان امام صادق علیه السلام

از امام صادق سلام الله علیه نقل شده است که در ایشان در ایام حج بودند و فرمودند: «ما أكثر السواد؟!»⁽¹⁾، چقدر جمعیت زیادی برای حج آمده اند، راوی می گوید که گفتم: بله آقا! خیلی زیاد هستند! الحمدلله! حضرت فرمودند: «أما والله ما يحج أحد لله غيركم»، بخدا هیچ کدام از این ها بغیر از شما چند نفر حج بجا نیاوردند.

در زیارت جامعه امام هادی علیه السلام هم داریم در زیارت دیگر هم داریم که «يا وَلِيِّ اللَّهِ! إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلُّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي

ص: 9

1-4. وسائل الشيعه، جلد 1، صفحه 121 (أحمد بن أبي عبد الله البرقي، في المحاسن): عن أبيه، عن حمزه بن عبد الله، عن جميل بن دراج، عن ابن مسكان، عن الكلبي عن أبي عبد الله (عليه السلام) - في حديث - قال: ما أكثر السواد؟! يعني الناس، قلت: أجل، فقال: أما والله ما يحج (أحد) (1) لله غيركم.

عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ»، امام اینجا در حال بیان چه چیزی هستند؟ این یک مورد هم نیست، در جاهای دیگر هم هست، گاهی هم به امام خاصی می‌گوییم «لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكَ»، توبه ی من پذیرفته نیست الا به رضای شما! الا به ایمان به شما!

ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام مطاع زودگذر دنیا و سراب است نستجیر بالله؟

ما چند جلسه در مورد این موضوع بحث کردیم که ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام یک چیز است و حکومت چهار ساله بر مردم چیز دیگری است! این را چندین بار توضیح دادیم و قصد ندارم مجدداً تکرار کنم، تو که تاریخ نمی‌فهمی چرا حرف می‌زنی؟ شبِ عید غدیر؟ برو و شبهِ ی خودت را از یک نفر بپرس! آیا شبِ عید غدیر زمان این است که انسان بگوید ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام مطاع زودگذر دنیاست؟ بعد تو آیت الله هم هستی؟! پناه بر خدا! دین چقدر مظلوم است که...

آنقدر نگفته ایم اینطور شده است، اگر ما در جامعه بیان کرده بودیم دهان این آدم را در جامعه پاره می‌کردند، اگر یک سنی این حرف‌ها را بزند... تازه این حرف‌ها در صحیح مسلم و بخاری هم نیست، تو می‌گویی من شیعه هستم، تو از کجا فتوا می‌دهی؟ آیا از همین وسائل الشیعه استناد می‌کنی؟

روایت دیگری هم می‌خوانم: «ما علی مله ابراهیم أحد غیرکم»⁽¹⁾، جز شما هیچ کسی بر ملت ابراهیم نیست، «وما یقبل الله الا منکم»، امام در حال بیان چه موضوعی هست؟ می‌فرماید: خدای متعال جز از شما نمی‌پذیرد، «ولا یغفر الذنوب الا لکم»، توبه نمی‌پذیرد الا از شما.

من چند روایت با این

ص: 10

1-5. المحاسن، جلد 1، صفحه 147 (عنه، عن أبيه ومحمد بن عيسى، عن صفوان بن يحيى، عن إسحاق بن عمار، عن عباد بن زياد قال: قال لي أبو عبد الله عليه السلام: يا عباد، ما علی مله ابراهیم أحد غیرکم، وما یقبل الله الا منکم، ولا یغفر الذنوب الا لکم)

مضامین بیان کنم؟ در کتاب بحار مجلداتی به این موضوع اختصاص دارد! این‌ها بدبختی است که یک نفر شیعه که یعنی من منابع شیعه را قبول دارم، بگو من شیعه نیستم، وقتی می‌گویی من منابع شیعه را قبول دارم این مطالب واضح است، ما چقدر روایت داریم که کسانی که ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را قبول نکرده‌اند را رد کرده‌اند، آنقدر زیاد است که اصلاً نمی‌دانم کدام را بگویم، چه می‌شود که یک نفر دهان خود را در جامعه باز می‌کند و اینطور حرف می‌زند؟ برای این است که ما از ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نگفته‌ایم، آنقدر نگفته‌ایم که این شخص جرأت می‌کند همچنین حرفی بزند.

آیا می‌شود همینطور یک روایت را قبول کرد؟

مثلاً می‌گویند که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌خواهند بگویند که سقیفه از پیش برنامه ریزی شده نبود!

ما چقدر در نهج البلاغه عرض کردیم که این روایات اصلاً نقل مرسل است و به این راحتی نمی‌شود به این روایات اعتماد کرد؟ اگر در خاطر داشته باشید بعضی اوقات یک روایت را از سه راوی عرض می‌کردیم و می‌گفتیم که از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده است و از امام حسن مجتبی علیه السلام هم نقل شده است، یا می‌گفتیم که اینجا از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده است و در جای دیگری از شخص دیگری، به این راحتی نیست.

شما می‌گویید حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند که من فکر می‌کردم که این‌ها حکومت را از من بگیرند، پس این یعنی اینکه از قبل طراحی نشده است!

در همین نهج البلاغه هست که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به خلیفه دوم

فرمودند: «بدوش و هر کاری که انجام می دهی انجام بده که هر کاری که انجام می دهی نیمی از آن برای خودت است»، این یعنی چه؟
یعنی توبه دنبال حکومت خودت هستی!

آیا انسان یک جمله را ملاک قرار می دهد و هزار جمله را رها می کند؟ بعد نام خود را هم «آیت الله» می گذارد! اگر جرأت هم دارید به حوزه نقد کنید! که بگویید آنقدر در فقه رفته اید و همه چیز را رها کرده اید که الآن عقاید مسلمین هم نقد می کنند و کسی هم تعجب نمی کند! این حرف هایی که این آقا زده است مثل این می ماند که شما بگویید نماز ظهر شش رکعت است! یک عده ای می گویند چهار رکعت است که نقد آن ها مجال مفصّلی می خواهد اما در یک جا آمده است که شش رکعت است! این حرف ها همین قدر مسخره و تعجب انگیز است، آیا ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام مطاع زودگذر دنیا و سراب است؟ پناه بر خدا!

ما ده ها مرتبه در همین جلسات نهج البلاغه عرض کردیم که حکومت آدم بر آدم ها نمی ارزد، برای حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام حکومت وسیله است، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: حکومت نمی ارزد الا اینکه بتوانم حقی را احقاق کنم و بتوانم جلوی باطلی را بگیرم، ولی آن هایی که آمدند تا حکومت را به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بدهند خلافت رسول خدا ندادند که! خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یک فضیلتی است که قابل قیاس با چیزی نیست، مثل این است که بگویید خلافت هارون از موسی علیه السلام سراب دنیا است! مثل این است که بگویید خلافت خلفای پیامبران الهی

سرابِ دنیاست! کدام دیوانه ای اینطور حرف می زند؟

این حکومت و پستِ دنیایی است که نمی ارزد، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بعنوان خلیفه به حکومت نرسیده اند، بارها عرض کردیم که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بعنوان امام معصوم حکومت نکردند، چرا حکمیت بوجود آمد؟ چون خلافتِ حضرت را قبول نداشتند، گفتند تو بیا و مثلِ خلفا و بلکه پایین تر باش.

به همین آقا باید گفت تو که خودت را شرحه شرحه کردی تا از یک رئیس جمهور دفاع کنی که خود او دیگر توانِ دفاع از خود را نداشت، تو بخاطرِ مطاعِ زودگذرِ دنیا با ولایتِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام خدشه وارد می کنی، تو چرا برای یک رئیس جمهور این حرف ها را می زنی؟ نمی ارزد! حکومت و قدرت به شرطِ ظلم و دروغ نمی ارزد، نه اینکه خلافتِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نمی ارزد! پس تو در حوزه چهل سال چه خوانده ای؟

واقعاً اولین مقصّر حوزه است که اهمیتِ مسائل ولایت را از بین برده است، که اگر بگویند سی سال است که در فضای ولایت کار می کنیم در فضای حوزه می گویند چه درسی خوانده ای! اگر جرأت هم داری حرف بزن! وگرنه نباید می گذاشتند که این آدم در قم زندگی کند، یک زمانی یک نفر می گوید من شیعه نیستم و من می گویم که شما در منابع خودتان از این حرف ها ندارید، یک وقت طرف می گوید من شیعه هستم، اگر شیعه هستی همین زیارت غدیریه که با یکدیگر خوانده ایم، من چند عبارت آن را می خوانم تا با یکدیگر ببینیم. 2443

حضرت هادی علیه السلام می فرمایند که «وَقَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْكَ» کسی که از تو بازمانده است گمراه

شده است... ما هم می‌گوییم با کسی که ولایتِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را ندارد در دنیا مثلِ مسلمان برخورد کنید اما تو از کجا می‌گویی که خدای متعال در قیامت اسلام این شخص را می‌پذیرد؟ آیا تو قیامت را دیده‌ای؟ ما که نمی‌گوییم الآن بروید و یقه‌ی اهل سنت را پاره کنید، ما می‌گوییم بروید و مهربانی کنید و یک نفر را جذب کنید و بر سر سفره‌ی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بیاورید، اما اینکه در قیامت هم از این‌ها قبول می‌کنند، مخصوصاً آن‌هایی که حق را دریافتند و انکار کرده‌اند؟ آیا شما قیامت را دیده‌اید که می‌گویید اسلام واقعی است؟ منظور او از اسلام واقعی چیست؟ یعنی در قیامت هم از او می‌پذیرند.

اگر آن اسلام واقعی است آیا ما مریض هستیم که باید یک شرطِ اضافی هم داشته باشیم؟ اگر اسلام واقعی ایمان به خدای متعال و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است ما مریض بودیم که شرطِ اضافی داشته باشیم؟ آیا نستجیر بالله ائمه علیهم السلام ما را سرکار گذاشته‌اند؟ اگر آن اسلام واقعی بود چرا برای ما شرطِ دیگری اضافه کرده‌اند؟ پس چرا اینقدر هزینه دادیم؟ چرا باید حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها از دنیا می‌رفتند؟ برای یک چیز بیهوده؟! چرا حضرت سیدالشهداء علیه السلام کشته شد؟! برای همین است که شما مجبور می‌شوید که بگویید امام حسین علیه السلام هم می‌خواستند بروند تا مذاکره کنند اما شهید شدند! اگر جرأت کنی می‌گویی که حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها هم شهید نشده‌اند و این توهم شیعه است! یعنی با این حرف‌ها

این عبارات زیارت جامعه را ببینید، امام هادی علیه السلام می فرماید: «وَقَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْكَ» کسی که از تو بازمانده است گمراه شده است، «وَلَمْ يَهْتَدِ إِلَى اللَّهِ» آن شخص هدایت نشده است، «وَلَا إِلَهَ مِنْ لَّا يَهْتَدِي بِكَ وَهُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» خدای متعال می فرماید: من می گذرم، می آمرزم، غفار هستم، کسی که ایمان بیاورد و عمل صالح انجام بدهد و توبه کند، بعد امام هادی علیه السلام قید می زند «إِلَى وَلَا يَتَّكَ»، تازه او را بر سر سفره ی ولایت تو می آورم.

این عبارت را ببینید: امام هادی علیه السلام می فرماید «فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَاكَ بِمَنْ نَاوَاكَ» خدای متعال کسانی که تو را با دشمنان تو یکسان پنداشتند لعنت کند؛ امام اینجا چه کسانی را می فرماید؟ آیا ما مریض هستیم با کسی که اسلام واقعی دارد اینطور حرف بزنیم؟

بعد حضرت می فرماید: «فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مِنْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَا يَتَّكَ» خدای متعال کسانی که تو را با آن کسانی که وظیفه داشتند ولایت تو را بپذیرند یکسان پنداشتند لعنت کند، آن ها باید به در خانه ی تو می آمدند و تبعیت می کردند که ادعای حکومت و خلافت کردند، امام هادی علیه السلام می فرماید: کسانی که این ها را با تو یکسان بدانند هم لعن می کنم.

حال می شود قید زد و گفت آن هایی که قاصر هستند را کنار بگذاریم، خدای متعال ظالم نیست و اگر به کسی حق نرسیده است خدای متعال با او در قیامت کنار می آید، ولی در مورد بقیه چطور؟

اگر بخواهیم

با قیچی این آقا جلو برویم از این زیارت چه می ماند؟ باید همه ی این زیارت را قیچی کنیم و دور بریزیم! به چه دلیل این روایت صحیحه را کنار بگذاریم؟ با این ادله ی شما که در «غارات ثقفی» یک جمله آمده است که آیا اصلاً معنای آن چیزی که تو می گویی هست یا نه؟! به چه دلیل باید آن یک جمله را به همه ی این ها ترجیح داد؟ خود حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روز عید غدیر سال 35 یا 36 که با جمعه یکی شد سخنرانی کردند شما می گوئید به سخن حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام رجوع کنید، اولاً که سخن حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام با سخنان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام تفاوتی ندارند، ثانیاً حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه غدیریه فرمودند: خداوند از کسی عبادت قبول نمی کند الا بولایت والی این روز! خود حضرت فرمودند! چرا آن جمله را می گیری و این بیانات را رها می کنی؟

یک زمانی یک نفر اصول فقه نخوانده است که در مقام تعارض باید چکار کرد، اگر او یک حرفی بزند طبیعی است، اما تو که ادعا می کنی من متخصص و کارشناس هستم چطور این همه روایت و دلیل را برای یک روایتی که اصلاً خود آن به تنهایی شأنیست استدلال ندارد کنار می گذاری؟

مثل این می ماند که من بگویم صد سند دارم برای اینکه این خانه برای من است و شما بگوئید در تاکسی شنیدم شخص دیگری را می گفتند! خود این خبر اصلاً شأنیست ندارد و بلکه صدها معارض دارد و تو هم مثلاً فقیه

هستی! جز این است که می خواهی از کسی دفاع کنی که خود او دیگر قادر نیست از خود دفاع کند؟ بعد انسان برای چه چیزی با ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در می افتد؟

حضرت هادی علیه السلام می فرماید خدای متعال لعنت کند کسانی که «فَعَدَّ عَنْ نَصْرِكَ» تو را یاری نکردند.

خدای متعال می داند که دو سه روز است این آقا اعصاب مرا بهم ریخته است، نه اینکه ما از این حرف ها نشنیده باشیم، ما از این حرف ها از ابن تیمیّه ها زیاد شنیده ایم اما ابن تیمیّه عمامه ی علمای شیعه به سر نمی گذارد، از اینکه حوزه علمیه اجازه می دهد اینطور انسان ها در آن پرورش پیدا کنند، از اینکه کسی احساس درد ندارد، از اینکه ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام غریب است، حوزه ی انقلابی کجا بود؟ حوزه ولایی بشود نیازی نیست انقلابی بشود! حوزه ای که از ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام دفاع نمی کند از ولایت کس دیگری دفاع می کند؟ بنده قصد ندارم بگویم در این حوزه انسان خوب نیست اما وقتی بنای دروس حوزه فقط بر فقه است حساسیت طلاب از بین می رود، خیلی از آن ها این حرف ها را نشنیده اند، من در جایی در جمع اساتید بعضی از روایاتی که صحیح است و فقها هم روی آن فتوا داده اند را گفتم گفتند که گفتن این ها چه ضرورتی دارد؟! گفتم: شما تشخیص می دهید؟ صد و شصت روایت از معصوم داریم، آیا شما تشخیص می دهید که این ها به چه درد می خورد؟ دلیل بیاور که نیست، وقتی مطلب از معصوم است شما امام هستید یا مأموم هستید؟ آن ها هم مقصر نیستند، اصلاً نشنیده اند! طلبه اگر ده سال درس

بخواند و خود او به دنبال این حرف‌ها نباشد کدام درس حوزه از ولایت می‌گوید؟ نتیجه‌ی آن این می‌شود که حساسیت مردم از بین می‌رود.

ما یک زمانی داشتیم که علمای ما می‌گفتند یک سال می‌گشتیم تا ببینیم آن کتابی که بر علیه شیعه است کجاست تا جواب آن کتاب را بدهیم، الآن این دست مطالب همینطور رواج دارد!

نکاتی در مورد جناب عمّار علیه السلام

در این زیارت خیلی اسم از کسی برده نشده است، اسم حضرت جعفر و حضرت حمزه آمد که جلسه‌ی گذشته اشاره کردیم، نام «عباس» آمد که پشت سر فراریان در حنین فریاد می‌زد، و نام یک فرد دیگر، نام عمّار آمده است، چرا حضرت هادی علیه السلام نام عمّار را برده است؟ حضرت فرمودند: و عمّار بین دو صف در سپاه (بین سپاه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و سپاه معاویه) در صفین فریاد می‌زد «الرّوّاح الرّوّاح الی الجنّه»، چرا امام هادی علیه السلام این مطلب را فرموده اند؟ چرا حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام «أین عمّار» می‌فرمایند؟

آنقدر ما با واژه‌ی «بصیرت» عمّار را خراب کردیم، نه بصیرت انقلابی پیدا کردیم و نه بصیرت ولایی! فقط نام جناب عمّار رحمه الله تعالی علیه خراب شد! وقتی انسان نخواهد گوش بدهد اینطور است، حضرت آقا می‌فرمایند «أین عمّار»، طرف همایش می‌گذارد در ماده‌ی «بَصْرًا» «بِصْرًا»

بصیرت یعنی چه!

چرا حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام «أین عمّار» می‌فرمایند؟

تاریخ ثابت کرده است که این فضیلتی که عمّار دارد چند نفر بیشتر ندارند؛ وجود حضرت مریم سلام الله علیها علامت حقیقت حضرت عیسی علیه السلام است، وجود مبارک حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها علامت حقیقت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است،

وجودِ عَمَّارِ نَشَانِهٖ حَقَّانِيَّتِ حَضْرَتِ اميرالمؤمنينِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامِ اسْتِ، اصْلًا خَيْلِي چيزِ عَجِيْبِي اسْتِ!

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایتی فرموده اند که ما در حوزه مروی بطور مفصل راجع به آن بحث کردیم که اهمیّت آن از حدیث غدیر کمتر نیست! بَرَنَدَگِیِ آن بیشتر هم هست!

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «وَيَسَّحُ عَمَّارٌ، تَقْتُلُهُ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ، يَدْعُوهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ، وَيَدْعُوْنَهُ إِلَى النَّارِ»، آن گروهی که اهلِ بَغْيِ و ظَلَمِ هستند عَمَّارِ را خواهند کشت، عَمَّارِ این ها را به بهشت دعوت می کند و آن ها هم عَمَّارِ را به سمتِ دوزخ دعوت می کنند.

شیعه و سنی در این موضوع هیچ اختلافی ندارند که عَمَّارِ به بهشت دعوت می کرد، نه فقط ما شیعه ها این را بگوئیم که بزرگانِ اهل سنت هم این موضوع را گفته اند، در این مسئله اختلاف هم ندارند که عَمَّارِ به بهشت دعوت می کرد، عَمَّارِ که رئیس جبهه نبود، عَمَّارِ که فرمانده ی کلّ قوا نبود، عَمَّارِ آن وسط یک سرباز بود، عَمَّارِ که رئیس نبود، دعوتِ به اطاعتِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می کرد، آن طرف که به آتش دعوت می کردند هم به معاویه دعوت می کردند، در جمل زمانه که طلحه فهمید عَمَّارِ در سپاه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است برای ادامه ی جنگ دچار تردید شد، ببینید خدای متعال چه مقامی به یک نفر داده است!

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می دانستند که روایاتِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را خدشه دار و انکار و کتمان می کنند و برای اینکه حق روشن بشود باید شخصِ دیگری و چیزهای

دیگری را هم وسیله ی پیدا کردنِ راهِ حق قرار می دادند؛ اگر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم این عبارت را راجع به هر کسی می فرمودند احتمال داشت آن شخص سوءاستفاده کند، می دانید همانطور که برای حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام داریم که «عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ» داریم که «عَمَّارٌ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَمَّارٍ»، با این تفاوت که حق به دورِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می گردد و عمار به دورِ حق، عَمَّارِ شاخصِ تشیع است، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام شاخصِ امامت است.

اگر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم این جمله را راجع به هر شخص دیگری می فرمودند... کما اینکه ائمه ی ما علیهم السلام گاهی وکلایی داشتند که این ها وکیلِ امام بودند و مردم به سراغ این ها می رفتند اما این ها به امام بعدی خیانت می کردند، با این کار این ها کار خیلی خراب و فتنه خیلی سنگین می شد، عَمَّار هم می توانست این کار را کند، ببینید حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم چه اطمینانی به عَمَّار داشتند.

عَمَّار در هر جبهه ای که قرار می گرفت... در همین فتنه که مردم مثلِ ذَرَاتِ گرد و غبار بودند و به این طرف و آن طرف می رفتند هر کجایی که در مقابلِ آن ها عَمَّار بود جبهه را خالی می کردند که نکند عَمَّار کشته بشود، مظلومیّتِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را ببینید که با حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می جنگند ولی مراقب هستند که عَمَّار کشته نشود، در آن جامعه روایات فضائلِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام کتمان شده است و دیگر هجمه

را گذاشته اند که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را خاموش کنند اما روایتِ عمّار در ذهن ها هست، وقتی عمّار در جمل آمد طلحه لرزید و به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام عرض کرده شنیده ام عمّار را آورده اید! آن ها برای چه عایشه را آورده بودند؟ برای اینکه بگویند همسر پیامبر علامت است؛ به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام عرض کردند که شما جناب «امّ سلمه سلام الله علیها» را ببرید که که فتنه ی عایشه بخوابد اما حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند من بر خلاف حق عمل نمی کنم، من برای اینکه بخواهم از حق خود دفاع کنم بر خلاف امر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم عمل نمی کنم، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرموده بودند که «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ»⁽¹⁾، یعنی همسران پیامبر در خانه بمانند، و این عایشه علامت حق نبود عمّار علامت حق بود.

در صفین همین ها که هیچ چیزی نمی فهمیدند وقتی حمله می کردند آن جایی که عمّار بود را خالی می کردند، برای اینکه نکند عمّار کشته بشود! بعد هم گفتند که شب بود و در تاریکی تیر زدند و اشتباه شد و نفهمیدند که چه کسی چه کسی را با تیر زد!

دیدید که امام هادی علیه السلام می فرمایند که بر قاتل عمّار لعنت، چرا باید امام هادی علیه السلام در زیارت غدیریه این موضوع را بفرمایند؟ غدیر چه ربطی به عمّار دارد؟ انسان می تواند به جایی برسد که وجود او اینطور به امام زمان او خدمت کند، ان شاء الله خدای متعال روزی کند که ما با دست ناقابل مان قدمی برای امام زمان ارواحنا فداه

ص: 21

1-6. سوره مبارکه احزاب، آیه 33 (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)

در کشورِ امام زمان ارواحنا فداه کسی که چهل سال در حوزه درس خوانده است بیاید و راجع به بدیهیاتِ عقایدِ ما و آن هم با این استدلال... ای کاش که یک استدلالِ به درد بخوری و یا یک چینشِ منطقی ای داشت یا کمی برای مخاطب شعور قائل بود! ایشان سخنرانِ مجمع تشخیص مصلحتِ نظام است! سخنرانِ ماه رمضان دولت بود! فکر نکنید که او را از جایی نامعلوم پیدا کرده ام!

یک جریانی برای اینکه با ولایت فقیه بجنگند همه کاری انجام می دهند، می گوید: ولایتِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام سرابِ زودگذرِ دنیا است! (نستجیر بالله).

این علامتِ شبه نفاق است که کسی بگوید من شیعه هستم و این حرف را بزنم، هزاران هزار روایت داریم بعد شما اینطور بگویید!؟

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در سال 35 یا 36 بجای نماز جمعه خطبه ی غدیر را خواندند و فرمودند اگر کسی امامتِ صاحبِ امامتِ این روز را نپذیرد عبادتِ او مقبول نیست، وقتی جلسه تمام شد و نماز را خواندند حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند که همه ی شما در خانه ی امام حسن مجتبی علیه السلام میهمان هستید، این موضوع در کتاب «اقبال» آمده است...

عده ای برای میهمانی به محضرِ امام رضا علیه السلام آمدند و ایشان همه را نگه داشتند، آن ها گفتند که قصدِ مزاحمت نداریم، امام رضا علیه السلام فرمودند: امروز روزِ عید غدیر است! امروز روزِ امامتِ مولای ما حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است! حضرت نهار دادند، هدیه دادند، اهل بیت علیهم السلام در تکریمِ این روز سر از پای نمی شناختند.

عَمَّارِ نود و چند ساله که یک عمر در راه اسلام

خدمت کرده است، اوایل اسلام پدر و مادر ایشان با شکنجه از دنیا رفتند، عمّار شیر میدان بود، بعضی روزها فرماندهی اصلی حمله کننده بود، با اینکه نود و چند ساله بود، نفر اولی بود که به خط دشمن می زد، رجز ایشان هم رجزی نبود که خود را معرفی کند، روایت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در مورد امامت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را بعنوان رجز می خواند، می فرمود:

فالیوم نصر بکم علی تأویلہ کما قتلناکم علی تنزیله

امروز بر اساس تفسیر صحیح قرآن می جنگیم، کما اینکه قبلاً بر اساس اینکه بگوییم قرآن کریم کتاب خدای متعال است و شما کفار نمی پذیرفتید با شما می جنگیدیم.

این روایت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در مورد حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است، «إِنَّ مِنْكُمْ مَنْ يَقَاتِلُ عَلِيَّ تَأْوِيلَ هَذَا الْقُرْآنِ كَمَا قَاتَلْتُ عَلِيَّ تَنْزِيلَهُ»⁽¹⁾، یک روز من جنگیدم که اثبات کنم قرآن کریم کلام خدای متعال است و به زودی کسی با شما می جنگد برای اینکه تفسیر صحیح چیست!

عمّار بیش از نود سال عمر کرد و تلاش کرد و جهاد کرد، دوران خلیفه سوم وقتی خلیفه «عبدالله بن مسعود» را کشت و عمّار او را شبانه دفن کرد... این نشان می داد که دفن شبانه ی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها حکومت خلفا را تخریب کرده است... عثمان فهمید و عمّار را بشدت کتک زد و او نقص عضو پیدا کرد اما عمّار کوتاه نیامد، تا زمان حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام شد!

می دانید که اگر عمّار و مالک اشتر نبودند حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام چهار سال حکومت را

ص: 23

1-7. شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، جلد 1، صفحه 337 (الدّعشي، بإسناده، عن أبي سعيد الخدري، أنه قال: كُنَّا جُلُوسًا نَنْتَظِرُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَخَرَجَ إِلَيْنَا مِنْ بَعْضِ بُيُوتِ نِسَانِهِ، فَقُمْنَا مَعَهُ نَمْشِي، فَأَنْقَطَعَ شَيْءٌ نَعْلِهِ، فَأَخَذَهَا عَلِيٌّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَتَخَلَّفَ عَلَيْهَا، لِيَصِدَّ لِحَجَّهَا، وَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَنْتَظِرُ، وَنَحْنُ مَعَهُ قِيَامًا - وَفِي الْقَوْمِ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ - فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ مِنْكُمْ مَنْ يَقَاتِلُ عَلِيَّ تَأْوِيلَ هَذَا الْقُرْآنِ كَمَا قَاتَلْتُ عَلِيَّ تَنْزِيلَهُ، فَاسْتَشْرَفَ لَهَا أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ! فَقَالَ: لَا، وَكَانَتْ خَاصِفُ النَّعْلِ. قَالَ أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ: فَأَتَيْتُهَا بِهَا لِأُبَشِّرَ، فَلَمْ يَرْفَعْ لَهَا رَأْسًا، فَعَلِمْتُ أَنَّهُ شَيْءٌ قَدْ سَمِعَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَآلِهِ قَبْلَ ذَلِكَ. وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ: أَنَّ أَبَا بَكْرٍ قَالَ: أَنَا هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ. وَعُمَرُ أَيْضًا. قَالَ: لَا، وَكَانَتْ خَاصِفُ النَّعْلِ، يَعْنِي عَلِيًّا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ).

هم نداشتند، مردم در حال رفتن به سمتِ طلحه بودند، عمار تلاش کرد و به مردم می گفت که چرا به سراغ کسی می روید که او هم مانند عثمان خورده است و بُرده است؟ به سراغ کسی بروید که او دار و ندارِ خود را در راه اسلام داده است، به سراغ کسی بروید که همسرِ خود را در راه اسلام داده است، به سراغ کسی بروید که به شما پول داده است و پولی نگرفته است، به سراغ کسی بروید که باغ درست کرده است و وقف کرده است...

عمار و مالک مردم را از درِ خانه ی طلحه به درِ خانه ی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام برگرداندند، وگرنه تاریخ اصلاً نمی دانست که حکومتِ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام یعنی چه.

این بدن در راه اطاعتِ خدای متعال خسته بود، در راه اطاعت از خدای متعال جنگید، تا اینکه این مردِ بیش از نود ساله در میان جنگ تشنه شد و آب خواست، بجای آب آبی مخلوط با شیر آوردند، تا آن را دید گفت: «صَلِّقَ رَسُولَ اللَّهِ»... فرمود: «آخِرُ شَرِّ رَأْبِكَ مِنَ الدُّنْيَا ضِدَّ يَأْخُ مِنْ لَبَنِ»، معلوم است که نوبت دیدارِ حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم رسیده است، آن را خورد و به شهادت رسید، سلام الله علیه...

او آب خواست و بهتر از آب به او دادند، از آب هم مضایقه کردند کوفیان...

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

